

موانع توسعه حسابداری در ایران از دیدگاه تئوری

دکتر علی ثقفی

- دکترای حسابداری از دانشگاه میسوری
- پیشینه تدریس در دانشگاه ایالتی میسوری
- ۵ سال همکاری با وزارت امور اقتصادی و دارایی
- معاون بررسی قیمت‌ها در سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان
- استاد رشته حسابداری دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و دانشکده حسابداری شرکت نفت.

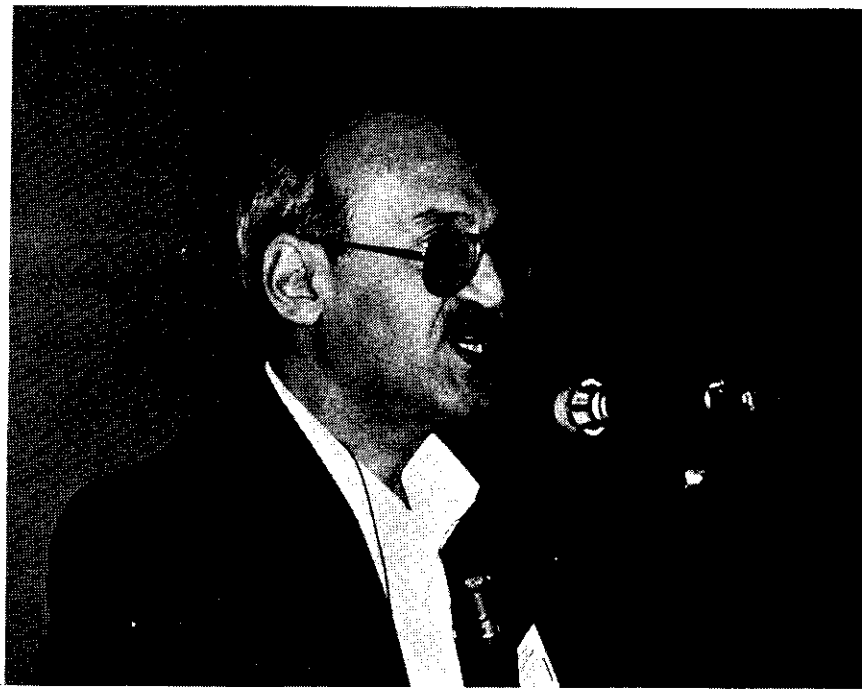
«در این مقاله ضمن تشریح پیشینه تاریخی نظریه پردازی در گزارشگری مالی و تحولات آن، تفاوت‌های بنیادین محیط گزارشگری ایران با محیط گزارشگری کشورهای توسعه یافته مورد بررسی قرار گرفته و از این راه عملی‌های نظری موانع توسعه حسابداری ایران از دیدگاه نویسنده مقاله توضیح داده شده است. و سرانجام نتیجه‌گیری شده است که استفاده مستقیم از تئوریهای حسابداری کشورهای توسعه یافته در ایران مناسب نیست.»

نظراتی که در این مقاله ارائه می‌شود صرفاً در رابطه با گزارشگری مالی برون سازمانی است و حسابداری مدیریت و همچنین بُعد سرمایه‌گذاری خارجی را دربر نمی‌گیرد.

توسعه حسابداری از زمانی آغاز شد که صاحبان کسب و کار، اموال خود و به کارگیری آنها را در اختیار افراد دیگر گذاشتند. این افراد به عنوان امانت‌دار و مباشر، اداره امور منابع اقتصادی را برعهده گرفتند و در نتیجه، موظف به گزارشگری درباره آنها شدند (هرچند به طور شفاهی). گسترش واحدهای اقتصادی به دلایل گوناگون، منابع بیشتری را می‌طلبید، لذا واحدهای اقتصادی ناگزیر از دریافت اعتبار شدند. اعتباردهندگان برخلاف صاحبان کسب و کار نمی‌توانستند از طریق

انتخاب مباشر در کنترل واحد اقتصادی نقش اساسی داشته باشند. از این رو همواره بیم آن می‌رفت که مدیران برای حفظ موقعیت خود ثروت مالکان را با هزینه اعتباردهندگان افزایش دهند. این ملاحظه موجب شد اعتباردهندگان طبق قرارداد

خاص محدودیتهایی ایجاد کنند. برای تعیین شرایط محدود کننده از اطلاعات حسابداری استفاده می‌شد و بدین ترتیب حسابداری از نظر گزارشگری برون سازمانی معنی دار شد. صدسال قبل، تاکید بر تهیه اطلاعات



تهیه اطلاعات برای سهامداران داد. هفتاد سال قبل، هدف از تهیه صورتهای مالی، ارزیابی وظیفه مباشرتی مدیران ذکر می شد. سیستمهای متفاوتی از گزارشگری مالی می توانست این هدف را تأمین کند، اما تنها گزارش جریانهای نقدی برای دستیابی به این هدف کافی نبود. اندازه گیری سود که تا آن زمان از طریق گزارش وضعیت مالی صورت می گرفت بتدریج مورد تردید قرار گرفت. زیرا از یک سو چگونگی تحصیل سود برای ارزیابی وظیفه مباشرتی مدیر با اهمیت تلقی می شد و از سوی دیگر بی ثباتی قیمتها، اندازه گیری عناصر صورت وضعیت مالی را مورد تردید قرار داد.

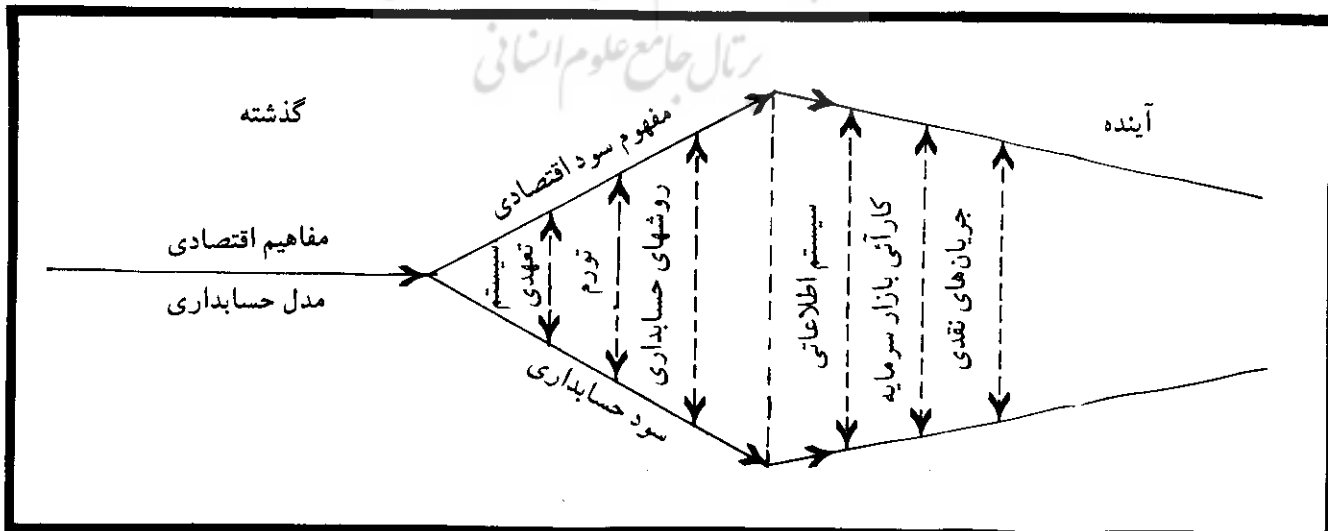
مفهوم جدیدی از سود به نام سود ورق بزینید

1 - Paton, W. "Accounting Theory" Chicago: Accounting studies Press, Ltd, 1962 (Originally published in 1922).
— And. A. Littleton, "An Introduction to corporate Accounting Standards" Columbus Ohio. American Accounting Association 1940.

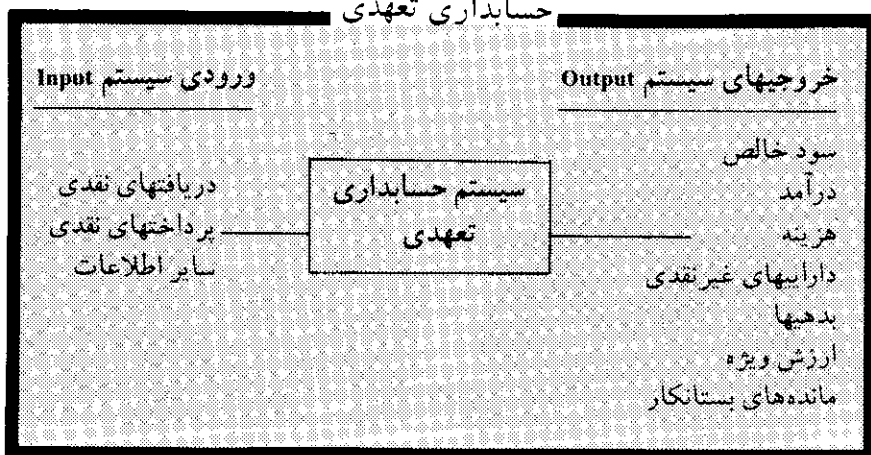
اعتباردهندگان مفید بود. بدین ترتیب انجمنهای حرفه ای به وجود آمد و روشهای حسابداری و حسابرسی هشتاد و سال قبل تا حدودی یکنواخت شد.

به وجود آمدن شرکت های بزرگ، با تعداد زیادی سهامدار، تقریباً امکان کنترل مستقیم واحدها توسط سهامداران را منتفی ساخت. مدیران منتخب آزادی زیادی در به کارگیری منابع اقتصادی واحد داشتند. رفته رفته تأکید گزارشگری مالی بر تهیه اطلاعات برای طلبکاران جای خود را به

ای اعتباردهندگان بود. برای اطمینان خاطر طلبکاران از وضعیت مالی واحدها، بانکها پیوسته برای ارزشگذاری از روشهای یکنواخت پیروی می کردند و فرر می کردند که گزارش وضعیت مالی توسط حسابداران مستقل تأیید شود. حسابداران برای رهایی از فشار مدیران در اعمال روشهای حسابداری نامناسب و افزایش قدرت استدلال خود، خواستار شکل حرفه ای بودند و از طرفی هم استاندارد کردن روشهای حسابرسی برای



حسابداری تعهدی



حسابداری از مدل حسابداری پدید آمد و فرض شد که به کارگیری روش تعهدی حسابداری مناسبتر است لذا بر مفهوم تطابق تأکید شد. و برای اولین بار در سال ۱۹۲۹ قانون شرکتها در انگلستان مقرر کرد که شرکتها صورت سود و زیان تهیه کنند.

اما سیستم تعهدی حسابداری بخوبی تعریف نشده و ماهیت آن مبهم بود.^۲ لذا تحقیقات حسابداری در این دوران بر روش بهتر گزارشگری مالی متمرکز شد. یکی از راهها ارائه تعریفهای دقیق بود. مثلاً تعریف سود خالص به صورت درآمد منهای هزینه ارائه شد. (به اضافه یا منهای منافع و زیان). اگرچه این تعریف از نظر فکری صحیح است ولی خود تعریف سود ماهیت ندارد. پس ناگزیر از تعریف درآمد و هزینه شدند، یعنی همان مشکل قبلی تکرار شد.

فرضاً هزینه به عنوان دارایی مصرف شده تلقی گردید. اما در مورد مصرف سکوت برقرار است. برای مثال، به یکی از تعریفهای استهلاک توجه کنید: استهلاک به معنای تسهیم (تخصیص) بهای تمام شده دارایی بین سالهای عمر مفید آن است.

۲- برای مثال روشهای متفاوتی جهت مطابقت هزینه با درآمد وجود دارد. از جمله روشهای ارزیابی موجودی کالا (FIFO در مقابل LIFO) و روشهای استهلاک (روش خط مستقیم در مقابل روش نزولی) که در چارچوب بهای تمام شده تاریخی قرار دارد. پس این سوال اصلی باقی است که کدام روش تعهدی بهتر است. پاسخ این سوال واکنشی هنجاری است. از این رو عمده تحقیقات حسابداری متوجه پیدا کردن بهترین روش بوده است. و اگر از چارچوب بهای تمام شده تاریخی خارج شویم و از بهای تمام شده جاری، قیمت‌های خروجی و غیره استفاده کنیم، روشهای زیادی برای تطبیق هزینه با درآمد پدید خواهد آمد.



نظریه پردازان حسابداری سود اقتصادی را پذیرفته‌اند، زیرا سود اقتصادی بخوبی تعریف شده است این سود از طریق خالص ارزش فعلی وجوه نقد آینده محاسبه‌شده است. اما برای ارزیابی وظیفه مباشرتی مدیران مشروط است، زیرا این روش علاوه بر فعالیتهای سال جاری، فعالیتهای آینده را در محاسبه سود

بازهم این تعریف از نظر فکری صحیح است ولی اصالت ندارد زیرا روشهای متفاوتی در زمینه تسهیم (تخصیص) وجود دارد.

روش دیگر برای یافتن بهترین شیوه گزارشگری مالی، پیدا کردن خصوصیات سود واقعی است تا، روشهای حسابداری براساس آن ارزیابی شود. در این روش

تأثیر می‌دهد. این موضوع در بازارهای کارآ و کامل سرمایه بیشتر مؤثر است. باید توجه داشت که همراه با تغییر در اوضاع و احوال اقتصادی (یا با کمی تأخیر، در اندیشه‌های علمی) تحقیقات و روشهای حسابداری نیز تغییر می‌یافت.

رونق بازار اوراق بهادار (و مطرح شدن آن به عنوان تنها بازار سرمایه‌گذاری برای توده مردم)، گسترش صدور اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام، صدور انواع امتیاز خرید سهام و نظایر آن موجب شد تا تفاوت حقوق مالکان و اعتباردهندگان و علاقه آنها به فعالیتهای واحد اقتصادی به حداقل برسد و از این رو، اندازه‌گیری سود به عنوان معیار ارزیابی و وظیفه‌مباشرتی مدیران جوابگویی نیاز اطلاعاتی سرمایه‌گذاران (اعم از سهامداران و دارندگان اوراق قرضه) نباشد. به دنبال این تحول، نگرش به حسابداری به عنوان فراگردی آگاهی‌دهنده قوت گرفت.

تحقیقات حسابداری مالی در زمینه اطلاعات اقتصادی، قیمت سهام علوم رفتاری، طی سه دهه اخیر گویای این تغییر در نگرش است. در این زمینه تحقیق هیئت اصول حسابداری (APB#4) در سال ۱۹۷۰ و تحقیق کمیته تروبلاد (Trueblood) در سال ۱۹۷۳ و بالاخره تبلور این تحقیقات در بیانیه مفهومی شماره ۱ هیئت استانداردهای حسابداری مالی FASB در سال ۱۹۷۸ را می‌توان ذکر کرد. نتیجه این تحقیقات تأکید بر جریانهای نقدی است، شاید به این جهت که ارزیابی جریانهای نقدی بیضرر است (ذکر دلایل در قالب این مقاله نمی‌گنجد).

دو علت اساسی در تغییر شیوه تفکر وجود دارد. ۱- سود اقتصادی در بازارهای ناقص و ناکارآی سرمایه بخوبی تعریف

نشده است. ۲- حتی اگر بازار کامل و کارآی اوراق بهادار وجود داشته باشد، رضایت کامل برای روش گزارشگری مالی وجود ندارد. زیرا علائق گروههای مختلف (سهامداران، اعتباردهندگان، تحلیلگران مالی، مدیریت، حسابرسان و دولت) در چارچوب سود اقتصادی باهم جمع نمی‌شود. اما در عین حال تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری جای پای محکمتری در فرایند تهیه اطلاعات مالی پیدا خواهند کرد.

در این شیوه تفکر جدید، اطلاعات مندرج در گزارشهای مالی دو نقش اساسی دارند، یکی نقش تسهیل‌کننده تصمیمگیری سهامداران (فرضاً برای انتخاب بهترین مجموعه اوراق بهادار) دوم نقش تسهیل‌کننده برای انعقاد قرارداد (مثل قرارداد مدیر با سهامداران). نقش اول اطلاعات لازم قبل از انعقاد قرارداد، و نقش دوم اطلاعات لازم بعد از قرارداد نامیده می‌شود.

از این رو فرایند تدوین استانداردها به فرایندی اقتصادی - سیاسی تبدیل شده است.

بدین قرار فلسفه کار کاملاً تغییر یافت. اما نقش حسابداری تعهدی در تفکر جدید (سیستم اطلاعاتی) همچنان از طریق FASB مورد تأکید است که جای سؤال دارد. نمونه بارز آن، تأکید بر اصل بهای تمام شده تاریخی، به هزینه منظور کردن هزینه‌های تحقیق و توسعه، استفاده موردی از نرخ تاریخی برای تسعیر ارز و غیره. البته منظور از طرح این موضوع رها کردن حسابداری تعهدی نیست بلکه طرح مشکلاتی است که در تفکر و عمل وجود دارد.

تئوریه‌ها

بررسی همه تئوریه‌ها، صرف‌نظر از قدرت پیشبینی آنها، مستلزم استفاده از هر دو روش استدلال قیاسی و استقرایی است. فرایند روش قیاسی با هدفها و فرضیات شروع می‌شود و اصول منطقی از آنها مشتق می‌گردد. این اصول اساس کار حسابداری است. مهمترین مرحله در فرایند قیاسی فرمولبندی هدفهاست. زیرا هدفهای متفاوت مستلزم چارچوبهای متفاوت و در نتیجه اصول متفاوت است. بنابراین یکی از گامهای نخست در توسعه حسابداری بیان روش هدفهای رفتاری است. (فرایند روش استقرایی با مشاهدات و اندازه‌گیری موردی شروع می‌شود و نتایج کلی به دست می‌آید).

روشهای رفتاری عموماً به عنوان جایگزین یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از روشهای رفتاری شامل موارد زیر است:

تئوریه‌های ارزشگذاری سرمایه، تئوریه‌های ارتباطات و تئوریهایی که بر اهمیت اطلاعات در زندگی انسان یا مبانی اخلاقی یا رفاه اقتصادی و یا رفاه اجتماعی تأکید دارند. اگرچه این تئوریه‌ها مستقل از یکدیگر نیستند، اما هرکدام بر موارد خاصی تکیه دارند.

برای تدوین و فرمولبندی اصول حسابداری، استفاده از چندین تئوری بطور تلویحی یا صریح ضروری است.

چنانکه قبلاً گفته شد شرایط حاکم بر بازارهای سرمایه در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر متفکران حسابداری مالی را به سوی این فرض رهنمون شد که ورق بزیند

هدف اصلی گزارشگری مالی فراهم آوردن اطلاعاتی برای تسهیل تصمیمگیری سهامداران (بالفعل و بالقوه) در خرید، فروش یا نگهداری سهام عادی است. اما چون مدل تصمیمگیری که بخوبی فرمولبندی شده باشد وجود ندارد، حسابداران از تئوریهای ارزشگذاری سرمایه (که از علوم مالی وام گرفته شده) استفاده کرده‌اند. از جمله تئوری ارزش ذاتی سهام، فرضیه بازار کارآ و تئوری پورتنوی (Portfolio).

چکیده تئوری ارزش ذاتی سهام چنین است: سرمایه‌گذار سهامی را می‌خرد که فکر می‌کند ارزش ذاتی آن بیش از قیمت بازار است. اما چون شرایط اقتصادی در آینده نامطمئن است، انتظار سرمایه‌گذاران متفاوت است. این تئوری کمک چندانی به توسعه تئوری حسابداری نمی‌کند، زیرا این موضوع که تقسیم سود مورد انتظار تنها عاملی است که برای سهامدار اهمیت دارد کافی نیست و روشن است که سود حسابداری زاینده مدل حسابداری است و معنی تفسیری ندارد.

فرضیه بازار کارآی اوراق بهادار می‌گوید، بازار اوراق بهادار زمانی کارآست که قیمت این اوراق به طور کامل و فوری منعکس کننده تمام اطلاعات موجود باشد. از این رو بار اطلاعاتی داده‌های حسابداری می‌تواند براساس عکس‌العمل بازار نسبت به این اطلاعات ارزیابی شود. شرایط کارآ بودن بازار چنین است:

۱- معامله اوراق بهادار هزینه ندارد ۲- کلیه اطلاعات به طور مساوی و بدون هزینه در اختیار کلیه معامله‌گران قرار می‌گیرد. ۳- کلیه معامله‌گران انتظارات و برداشتهایی هماهنگ و تقریباً یکسانی

نسبت به اطلاعات آماده دارند، (اما در اقتصاد بسیار خطرناک است که رفتار و عکس‌العمل یک فرد ملاک کل اقتصاد تلقی شود).

تئوری (پورتنوی) Portfolio بیان می‌کند: سرمایه‌گذار منطقی، ترجیح می‌دهد مجموعه‌ای اوراق بهاداری را نگهداری کند که با ریسکی معین حداکثر نرخ بازده سرمایه‌گذاری را ایجاد کند و یا با نرخ بازده مورد انتظار حداقل ریسک را بپذیرد در این تئوری از مدل ارزشگذاری داراییهای سرمایه‌ای (CAPM) استفاده می‌شود.

با توجه به توسعه تئوریهای فوق و استفاده آن در تئوریهای حسابداری، تغییر نگرش در حسابداری با بررسی محیط گزارشگری مالی بهتر درک می‌شود.

محیط گزارشگری مالی

فرایند سرمایه‌گذاری مرکز ثقل محیط گزارشگری مالی است. یعنی محیطی که سرمایه‌گذاران مصرف را برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌دهند و به امید ورود جریان نقدی غیرمطمئن درآینده به سر می‌برند. سرمایه‌گذاران از نظر ثروت، انتخاب اولویت، دسترس به اطلاعات مالی، مهارت در تفسیر اطلاعات مالی و غیره گروهی نامتجانس را تشکیل می‌دهند. این عوامل بر نیاز آنها به اطلاعات مالی و باور آنها نسبت به آینده مؤثر است. گروههای دیگری که در این محیط سهمی دارند عبارتند از تحلیلگران مالی، تدوین‌کنندگان مقررات، مدیران، حسابرسان و...

سرمایه‌گذار برای ارزیابی وجوه نقد

آینده که از سرمایه‌گذاری انتظار دارد، طبیعتاً نیازمند اطلاعات است. اما سرمایه‌گذار نه در محیطی منزوی بلکه در محیطی بزرگ سرمایه‌گذاری می‌کند. این محیط دارای چندین ویژگی است:

۱- سرمایه‌گذارانی که دانش محدودی در مورد حسابداری و امور مالی دارند اما می‌توانند از خدمات کارگزاران مالی (شرکتهای سرمایه‌گذاری) استفاده کنند که این موضوع موجب تأخیر در تکمیل فرایند سرمایه‌گذاری می‌شود.

۲- سرمایه‌گذارانی که اختیارات محدودی در دسترسی و تفسیر اطلاعات مالی دارند، اما می‌توانند از خدمات تحلیلگران مالی استفاده کنند. در نتیجه جمع‌آوری اطلاعات و پردازش آنها توسط تحلیلگران موجب تأخیر در فرایند سرمایه‌گذاری خواهد شد.

۳- سرمایه‌گذارانی که می‌توانند با سرمایه‌گذاری در تعدادی از سهام و تنوع بخشیدن به سرمایه‌گذاری ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش دهند.

۴- واسطه‌هایی وجود دارند که در جمع‌آوری و تفسیر اطلاعات مالی با یکدیگر در رقابتند.

۵- مدیران برای جذب وجوه سرمایه با یکدیگر در رقابتند و در تهیه اطلاعات مالی برای عموم سرمایه‌گذاران دارای انگیزه‌اند.

۶- سرمایه‌گذاران و واسطه‌ها، اطلاعاتی دارند که جامع‌تر و کاملتر و شاید بهنگامتر از گزارشهای مالی سالانه است.

۷- تحقیقات مالی نشان می‌دهد که قیمت اوراق بهادار منعکس‌کننده یک سیستم جامع و غنی اطلاعاتی است.

۸- فرایند تهیه و ارائه اطلاعات مالی به گروه (جامعه) سرمایه‌گذاران توسط

گروههای اصلی تشکیل دهنده محیط گزارشگری مالی

۱- سرمایه گذاران

- الف - حرفه‌ای در مقابل غیر حرفه‌ای Professional Vs. Non Prof.
- ب - فعال در مقابل غیر فعال Active Vs. Passive
- ج - متنوع در مقابل غیر متنوع Diversified Vs. Undiver.

۲- واسطه‌های اطلاعات

- الف - تحلیلگران مالی
- ب - آژانسهای رده‌بندی کننده ریسک اوراق قرضه
- ج - آژانسهای رده‌بندی کننده ریسک سهام
- د - مشاوران سرمایه گذاری
- هـ - شرکتهای کارگزاری

۳- وضع کنندگان مقررات

- الف - هیئتهای تدوین کننده استانداردهای حسابداری
- ب - کمیسیون بورس اوراق بهادار
- ج - پارلمان

۴- مدیران

- الف - مدیران شرکتهای بزرگ در مقابل شرکتهای کوچک
- ب - مدیران شرکتهای سهامی عام در مقابل شرکتهای سهامی خاص

۵- حسابرسان

- الف - حسابرسان ملی در مقابل حسابرسان شرکتهای محلی
- ب - حسابرسان مستقل در مقابل حسابرسان معمولی

بخش خصوصی حرفه (FASB) و بخش عمومی (کمیسیون بورس اوراق بهادار SEC) به مقررات خاصی است.

با توجه به ویژگیهای یاد شده، محیط گزارشگری مالی (به طور خلاصه) از پنج رده اصلی: سرمایه گذاران، واسطه‌های اطلاعات، تدوین کنندگان مقررات، مدیران حسابرسان تشکیل شده است (اگرچه سایر گروهها نیز تا حدی دخالت دارند). شش هر کدام از گروهها و علائق آنها با یکدیگر متفاوت است، بعلاوه هر گروه با ردههای دیگر نامتجانس است. جدول زیر خلاصه گروههای موجود در محیط گزارشگری مالی را نشان می‌دهد.

گزارشگری مالی در محیطی با

ویژگیهای فوق دارای نتایج

اقتصادی زیر است:

- ۱- توزیع ثروت بین افراد
- ۲- تسهیم ریسک بین افراد
- ۳- تولید و مصرف: مصرف و تولید
- ۴- تخصیص منابع اقتصادی بین رکنها

۵- مصرف منابع اقتصادی که برای بیه، گواهی، انتشار، پردازش، تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات مالی تخصیص یافته است.

۶- مصرف منابع اقتصادی که برای

ورق بزنید

تدوین، اجرا، مطابقت و دادخواهی مقررات حسابداری تخصیص یافته است. ۷- مصرف منابع اقتصادی که برای جستجوی اطلاعات به بخش خصوصی تخصیص یافته است.

به طور خلاصه روند عمومی گزارشگری مالی به شرح زیر است:

- ۱- تغییر حسابداری مالی از تأکید بر تهیه سود اقتصادی به جنبه‌های اطلاعاتی.
- ۲- تأکید بر ماهیت پیچیده محیط گزارشگری مالی و تأکید استفاده‌کنندگان حرفه‌ای گزارشهای مالی.
- ۳- تشخیص ماهیت اجتماعی در انتخاب بین سیستمهای اطلاعاتی مالی.

عدم توسعه حسابداری در ایران

روند تغییر اوضاع و احوال اقتصادی و تأثیر آن بر توسعه حسابداری، ویژگیهای محیط گزارشگری مالی و آثار اقتصادی آن در کشورهای توسعه یافته اقتصادی به‌طور خیلی مختصر بیان شد. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، روشهای حسابداری متداول در کشورهای آمریکا یا انگلستان تقریباً بدون هیچ قید و شرطی عیناً پذیرفته شده است. استانداردهای حسابداری بین‌المللی نیز تحت تأثیر FASB و SAS است. حسابداری در ایران نیز همین روند را طی کرده است (از ذکر دلایل آن به علت واضح بودن خودداری می‌شود). به عبارت دیگر تئورها و پیشفرضهای حاکم بر روشهای حسابداری تقریباً بدون قید و شرط پذیرفته شده است (مگر آنکه قانوناً منع شده باشد LIFO) زیرا تئوری حسابداری رابطه تنگاتنگی با روشهای

حسابداری دارد.

توجه مختصری به محیط گزارشگری مالی در ایران برخی از تفاوتهای اصلی با محیط گزارشگری کشورهای توسعه یافته را به آسانی روشن می‌کند (برای چند لحظه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در نظر بگیرید).

سرمایه‌گذارهای ایران در بخشهای عظیم اقتصادی مثل نفت، گاز، پتروشیمی، آب، برق، تلفن، فولاد، کشت و صنعت‌های بزرگ و حتی در بخش بازرگانی برنج، روغن، شکر، کود، سم و مانند آن کلاً توسط دولت صورت گرفته است. روشن است که در این واحدهای عظیم اقتصادی که عمدتاً در قالب بودجه‌های مصوب فعالیت می‌کنند سود و زیان (اگر محاسبه شود) ملاک ارزیابی عملکرد مدیریت نیست. هیچیک از تئوریهای ارزشگذاری سرمایه (ارزش ذاتی سهام، فرضیه بازار کارآ و تئوری پورتفولی) در این واحدها کاربرد ندارد یا حداقل در حال حاضر کاربرد ندارد، اما استفاده از آنها می‌تواند در توسعه تئوری حسابداری حتی برای این شرکتها تا حدی مفید باشد. استفاده از روش حسابداری تهمدی با توجه به اطمینان تقریباً کامل از تداوم فعالیت شرکتها با ابهام بیشتری روبرو خواهد بود. شاید صورت منابع و مصارف وجوه ابهام کمتری داشته باشد. فرضیه تفکیک شخصیت در تفسیر جدایی شخصیت حسابداری از شخصیت مالکان برای تسهیل کار حسابداری ضروری است اما در تفسیر جدایی مدیریت از مالکیت ابهام شدید دارد.

مدیران این گونه واحدها خود بخشی از دولت هستند، تغییر مداوم آنها خود تأیید این نظر است. شاید مهمترین وظیفه مدیران در رابطه با امور مالی رعایت موارد

قانونی است. تهیه گزارشهای مالی حسابرسی آنها و طرح و تصویب آنها در مجامع عمومی نیز برحسب قوانین مقررات مربوط است و بعضاً در مراجع قضائی یا مالیاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بخش دیگری از سرمایه‌گذارها در واحدهای تحت پوشش است (که هنوز ماهیتاً معلوم نیست براساس نظر دیوان محاسبات، به لحاظ رسیدگی، دولتی هستند یا براساس نظر وزارت دارایی، به لحاظ دریافت مالیات، دولتی نیستند). این واحدها مدیران، منتخب ارگانها بنیادها و سازمانهایی هستند که به نحوی دولتی و یا وابسته به دولتند، لذا تفکیک مدیریت از مالکیت همچنان با ابهام روبروست. تدوین هدفها با استفاده از تئوریهای زیربنایی که توضیح داده شده مشروط است. مدیران این واحدها نمی‌کوشند مقررات قانونی را رعایت کنند بویژه قوانین مالیاتی را که اهداف دیگری (تشخیص وصول مالیات) را تعقیب می‌کند، و تقریباً مطمئنند که ارزیابی عملکرد آنها عمدتاً بر رعایت مقررات دستوراست است، نه براساس سود زیان.

قسمت بزرگ دیگری از سرمایه‌گذارها در بخش خصوصی متراکم است ولی اکثر قریب به اتفاق واحدهای این بخش شرکت‌هایی هستند که خود مالکان یا اقوام آنها مدیریت آنها را برعهده دارند. لذا تفکیک مدیریت از مالکیت بازهم سخت دشوار است. در این واحدها هدف اصلی سرمایه‌گذاران ذاتاً و بدرستی افزایش ثروت خویش است و مالکان حسابداران توقع دارند تا به هزینه دیگران در جهت هدف آنها فعالیت کنند. شاید

تنظیم اظهارنامه مالیاتی و رعایت کلیه موارد قانونی مهمترین منظور در تهیه گزارشهای مالی و حسابرسی آنها باشد. ضمناً تعداد زیادی از همین واحدها، گزارشهای مالی برای استفاده برون سازمانی تهیه نمیکنند زیرا مدعیانی ندارند، و یا طرق دیگری را انتخاب می کنند.

اعتبار دهندگان نیز در محیط گزارشگری مالی ایران، که تقریباً منحصر به بانکهاست، کاملاً با دارندگان اوراق قرضه در کشورهای توسعه یافته متفاوتند. بانکها نیز عموماً در چارچوب مقررات و دستورعملها دست به اعطای اعتبار میزنند. تسهیلات اعطایی در قالب عقود اسلامی (فروشی اقساطی، مشارکت مدنی و...) نیز عمدتاً بر مبنای کاربرد تسهیلات نظر دارند و کمتر از اطلاعات گزارشهای مالی در مقطع اعطای تسهیلات استفاده می کنند و از طریق اخذ وثیقه های چشمگیر، خود را در مقابل خطرات بیمه می کنند.

مدیران واحدهای اقتصادی در بخش خصوصی برای جذب هرچه بیشتر منابع سرمایه در جریان رقابت نیستند. اصولاً منابع تأمین سرمایه، غیر از مالکان فعلی (همانگونه که بیان شد) محدود به بانکها می شود و کمتر به جمع آوری پس اندازهای مردم فکر می کنند و برای حفظ موقعیت خود به بهره برداری از خصیصه های بازار ناقص و اطلاعات کلان اقتصادی می پردازند. و برای تأمین منابع مالی به بازار آزاد سرمایه مراجعه می کنند که امکان انعکاس هزینه مالی میسر در آن نیست. بنابراین انگیزه ای برای گزارشگری مالی برون سازمانی ندارند و براساس آن ارزیابی نمی شوند.

اگر از شرکتهای پذیرفته شده در بورس صرف نظر کنیم، تحلیلگران مالی و واسطه های اطلاعات مالی در بازار سرمایه حضور گسترده ای ندارند. وضع کنندگان مقررات مالیاتی، مالی و محاسباتی و صادرکنندگان دستورعملها حضور گسترده ای در محیط گزارشگری مالی دارند و از پشتوانه محکمی برخوردارند.

حضور حسابرسان در محیط گزارشگری مالی عمدتاً به علت مقررات و قوانین مالیاتی است و نه از نظر اطمینان بخشیدن به دارندگان اوراق بهادار (یا سرمایه گذاران) در مورد صحّت گزارشهای مالی و تسهیل تصمیمگیری آنها نسبت به خرید، فروش و یا نگهداری اوراق بهادار خود.

تحلیل کوتاهی از بازار سرمایه در بورس اوراق بهادار نیز ضروری است. بازار اوراق بهادار در ایران شرایط بازاری کارآ و نسبتاً کامل را ندارد. با اندک توجهی این موضوع روشن می شود. ولی برای اطمینان خاطر تحقیقات دانشجویان، کارآ نبودن این بازار را تأیید کرده است. وجود سرمایه گذاران بزرگ که قادرند قیمتهای اوراق بهادار را تحت تأثیر قرار دهند، دسترس نداشتن سرمایه گذاران عادی به اطلاعات مالی و نظایر آن از جمله مواردی است که بر کارآ نبودن این بازار گواهی می دهد. لذا استفاده از فرضیه بازار کارآ اوراق بهادار یا تئوری پورتنفوی به عنوان مبنای اولیه در تدوین هدفها و روشهای حسابداری با مشکل روبروست، هرچند چنانکه در اقتصاد از فرضیه بازار کامل کالاها و خدمات استفاده می شود، این نیز می تواند مفید باشد.

شاید اصلترین خصیصه بازار ناقص و غیرکارآ، روبرو شدن مردم با قیمتهای

مختلف است. برای مثال، در مشاغل مختلف شرایط وامگیری و نرخ بهره متفاوت است برای رفع مشکل قیمت یکسان در چنین بازاری معمولاً دخالت دولت ضروری است. این دخالت نیاز به داوری و قضاوت دارد که ضرورتاً ارزشی است و بُعد سیاسی در آن در نظر گرفته می شود اگرچه معلوم نیست دخالت دولت با اعمال مقررات در چنین بازاری نتیجه بهتری در حل مشکل بازار وجود آورد (موقعیتهای استثنایی مثل جنگ حکم دیگری دارد). سیاستگذاران حسابداری در چنین محیطی آنها مجبور به انتخاب بین نتایج دخالت دولت هستند و این جریان سرانجام به عدم توافق در هرگونه تعدیل و اصلاح گزارشگری مالی می انجامد.

مشکل بازار ناقص و غیرکارآی سرمایه است. این بازار بالای محیط گزارشگری مالی است. به منظور یادآوری مشکلی که بازار ناقص برای حسابداری ایجاد می کند، ذکر تفاوت بین ارزش جایگزینی، ارزش استفاده و بهای تمام شده داراییها مثالی آشناست. اگرچه این مشکل ارزش اطلاعات حسابداری را بالا می برد ولی همزمان تقاضا برای مقررات را افزایش می دهد.

مشکل ارزشگذاری در بازار ناقص و غیرکارآی سرمایه، عیناً برای بازار اطلاعات حسابداری نیز وجود دارد. اطلاعات حسابداری دارای ویژگیهایی است که یکی از آنها مشابه ویژگی کالاهای عمومی است که تولید و مصرف آن همزمان برای همه است و مصرف توسط یک نفر یا یک گروه مانع مصرف آن برای بقیه نیست (مثل رادیو، تلویزیون). پس کافی است افراد را تشویق به استفاده

بقیه در صفحه ۵۰

بررسی موانع

توسعه حسابداری

کامپیوتری

در ایران

● ناصر آریا

— فارغ التحصیل رشته اقتصاد با گرایش حسابداری از دانشگاه لندن

— فوق لیسانس اقتصاد توسعه از دانشگاه تهران

— پژوهشگر مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی

— استاد درس اصول کامپیوتر و طراحی سیستمها در دانشکده حسابداری شرکت نفت (از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۹)

— تحلیلگر و طراح سیستمهای کامپیوتری — مؤلف کتابهای:

□ روش مطالعه و ارزیابی کنترلهای داخلی در سیستمهای کامپیوتری

□ حسابرسی سیستمهای کامپیوتری

□ فرهنگ اصطلاحات کامپیوتر و شبکه‌های کامپیوتری

● کامپیوتر از ابزارهایی بوده که حسابداران از اوایل کار با آن آشنا بوده و از آن استفاده کرده‌اند. حدود ۵۰ سال پیش اولین کامپیوترهای علمی ساخته شد. ده سال بعد کامپیوترهای تجاری به بازار آمد و حدود سی سال هم هست که در ایران از کامپیوتر استفاده می‌شود. مراکزی مثل شرکت نفت، بانک ملی و بانک صادرات از مراکزی بود که کامپیوتر آوردند و قسمت عمده استفاده از

● به‌رغم گستردگی استفاده از کامپیوتر در ایران در حرفه حسابداری، هنوز کاربرد آن از کارایی مورد انتظار برخوردار نیست، که این چگونگی پدید آمده از علتهای بیشماری است که بسیاری از آنها در پژوهشی که یافته‌های آن در مقاله حاضر بازتاب پیدا کرده بررسی شده است.

این کامپیوترها هم در امور مالی و حسابداری بوده است. بنابراین، اگر درباره موانع توسعه حسابداری کامپیوتری بحث می‌شود دلیل این نیست که در ایران حسابداری کامپیوتری سابقه‌ای ندارد و یا اصلاً (مثل بعضی رشته‌ها) مورد استفاده قرار نگرفته است؛ منتها هر کاری مشکلاتی دارد و با موانعی روبروست و این موانع باید بررسی شود و در هر مورد، رفع اشکال به عمل بیاید.

قبل از این که بحث درباره موانع توسعه حسابداری کامپیوتری را آغاز کنیم، برای این که برداشت مشترکی از تمامی لغات و عبارات کلیدی که در بحث به کار می‌رود داشته باشیم، یک سری تعاریف را خدمتتان عرضه می‌کنم. البته تعریف حسابداری از عهده بنده خارج است و سخنرانان قبلی (خصوصاً آقای ملک‌آرایی) هم لطف کردند و تعریف کاملی از حسابداری و تاریخ آن ارائه فرمودند.

ما از تعریف کامپیوتر شروع می‌کنیم. همانطور که در سخنرانیهای دیگر گفته شد، کامپیوتر وسیله یا ابزار است؛ بنابراین تأثیر مستقیم روی حسابداری ندارد و هدف هم نیست. کامپیوتر وسیله یا ابزار است؛ بنابراین تأثیر مستقیم روی حسابداری ندارد و هدف هم نیست، کامپیوتر وسیله یا ابزاری است که می‌تواند بر اساس دستورالعملهایی که آن را برنامه می‌نامیم و در حافظه آن قرار می‌گیرد، اطلاعات اولیه مشخصی را دریافت کند و پردازشهای پیشبینی شده را روی آنها انجام دهد و نتایج پردازش را به استفاده‌کننده ارائه کند. در سالهای اولیه استفاده، وسیله دادن اطلاعات به

کامپیوتر فقط از طریق کارتهای مقوایی بود. بتدریج نوار مغناطیسی، دیسک و وسایل دیگری هم که امروزه معمول شده، می‌تواند اطلاعات را در مبادی اولیه، برای مثال از روی بارکدهایی (Bar-Codes) که روی خود کالا نصب می‌شود، بخواند و وارد کامپیوتر کند. وسیله خروج اطلاعات هم سابق برای این کاغذ (چاپ) بود. هنوز هم معمولترین وسیله خروجی کامپیوتر کاغذ و چاپ است ولی وسایل دیگری مثل صفحه نمایش کامپیوتر وجود دارد. مبادله اطلاعات به روشهای مختلف (مثلاً از کامپیوتر به کامپیوتر) هم معمول است.

مقصود از حسابداری کامپیوتری چیست؟ در این بحث بخصوص، هر نوع و به هر اندازه استفاده از کامپیوتر، در هر یک از انواع عملیات حسابداری را حسابداری کامپیوتری می‌نامیم و بعداً در باره‌اش بیشتر صحبت خواهیم کرد. چون لغت سیستم هم زیاد به کار خواهد رفت یک تعریف خیلی عمومی از سیستم در

اینجا ارائه می‌شود. سیستم یا نظام، مجموعه‌ای از ابزار و روشهاست که به ترتیب خاصی ترکیب شده‌اند تا هدف معینی را برآورده کنند. اینجا لغت هدف خیلی تعیین‌کننده است. وقتی که هدف درست نباشد، معمولاً نتایج هم درست نخواهد بود.

اما سیستم اطلاعات حسابداری: فکر می‌کنم هدف بیشتر مراکز مالی این است که یک سیستم اطلاعات حسابداری کارآمد داشته باشند و ما وقتی از سیستم اطلاعات حسابداری صحبت می‌کنیم مقصودمان از آن، ساختار سازمان یافته‌ای از ابزار و روشهاست. یعنی عنصر سیستم در آن وجود دارد؛ یک ساختار سازمان یافته از ابزار و روشها که انواع اطلاعات مالی را گردآوری و پردازش می‌کند و در اختیار مدیران واحد اقتصادی یعنی داخل شرکت (یا درون سازمانی) و افراد ذریع خارج از واحد یا ورق بزیند



تعاریف

کامپیوتر

وسیله یا ابزاری است که می‌تواند بر اساس دستور عملهایی (برنامه) که در حافظه آن قرار می‌گیرد، اطلاعات اولیه مشخصی را دریافت کند و پردازشهای پیشینی شده را روی آنها انجام دهد و نتایج پردازش را به استفاده‌کننده ارائه نماید.

حسابداری کامپیوتری

هر نوع و به هر میزان استفاده از کامپیوتر برای کمک در انجام وظایف حسابداری است.

سیستم یا نظام

مجموعه‌ای از ابزار و روشهاست که به روش خاصی ترکیب شده تا هدف ویژه‌ای را تأمین کند.

سیستم اطلاعات حسابداری

ساختار سازمان‌یافته‌ای (از ابزار و روشها) است که انواع اطلاعات مالی را گردآوری، طبقه‌بندی و پردازش می‌کند و در اختیار مدیران واحد اقتصادی (شرکت) و افراد ذیربط خارج از واحد (شرکت) قرار می‌دهد.

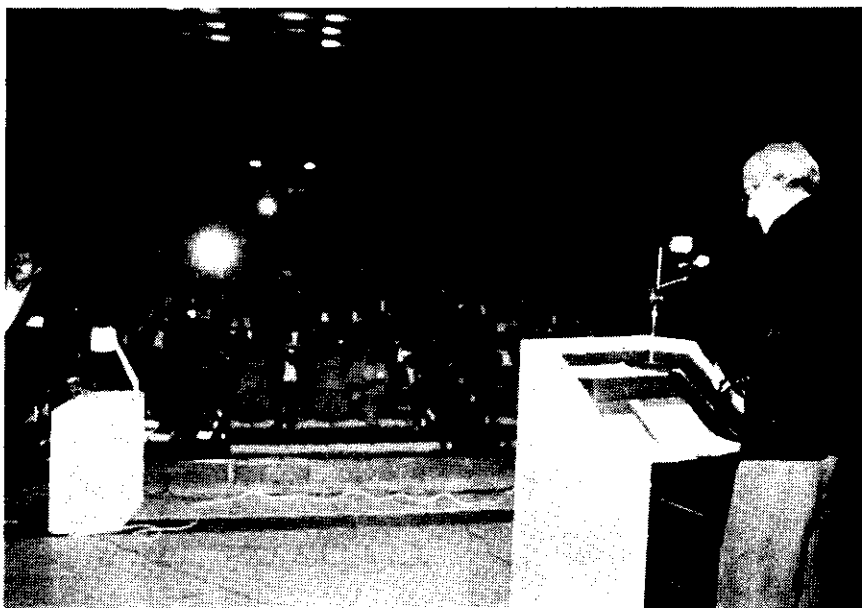
شرکت (یا افراد برون سازمانی) قرار می‌دهد. (نمودار شماره ۱)

در قدم بعدی می‌خواهیم ببینیم عوامل مهم در ایجاد و اجرای سیستمهای کامپیوتری کدامند؟ البته از عوامل جزئی در اینجا صرف نظر کرده‌ایم و آنچه مورد بحث قرار می‌گیرد سه عامل مهم مدیریت، کارشناسان و عوامل اجرایی است. مهمترین عامل در ایجاد هر سیستمی، مدیریت است، مخصوصاً مدیریتهای سطح بالای سازمان. اگر مدیریت تمایل نداشته باشد یا پشتیبانی کامل نکند، سیستمی به وجود نمی‌آید. مدیران مالی در مورد سیستمهای حسابداری مستقیماً درگیرند. سایر مدیران هم به عنوان استفاده‌کننده یا منابع اطلاعات مطرح می‌شوند. عامل مهم دیگر کارشناسان هستند،

یعنی یک رده پایینتر از مدیریت، کارشناسان قرار می‌گیرند. کارشناسان امور مالی (برای مشخص کردن روشها و نیازها)، کارشناسان تحلیل و طراحی سیستمهای مالی و کارشناسان کامپیوتر. بعداً خواهیم دید که کارشناسان تحلیل و طراحی سیستمهای مالی، حلقه مفقوده روند ایجاد سیستمهای کامپیوتری حسابداری شمرده می‌شوند که نبود آن موجب کاستیهای بسیاری می‌شود. کارشناسان کامپیوتر، در این مورد، از همه شناخته شده‌ترند زیرا تا کارشناس کامپیوتر وجود نداشته باشد (معمولاً) برنامه‌ای نوشته و اجرا نمی‌شود. بنابراین از این گروه صرف نظر نشده و در بررسیها نیز همیشه دیده شده است که به کار گرفته می‌شوند. ولی در همین زمینه هم کمبودها

و اشکالاتی وجود دارد. نوع مشکلات به روش شرکت یا سازمان برای برقراری سیستمهای حسابداری کامپیوتری بستگی خواهد داشت. در برخی موارد، شرکت یا سازمان از کارشناسان واحد خدمات کامپیوتری خود استفاده می‌کند، یعنی یک واحد خدمات کامپیوتری در خود سازمان یا شرکت تشکیل می‌شود و در آن واحد تعدادی کارشناس استخدام می‌شوند و شروع به طراحی و ایجاد سیستم کرده سیستمها را اجرا می‌کنند. در موارد دیگر ممکن است که سازمانی به یک شرکت کامپیوتری رجوع کند و از آن بخواهد که برایش سیستمی به وجود آورد، یا یک سیستم آماده خریداری گردد. عامل سومی که در اینجا دو اجرای سیستمهای حسابداری کامپیوتری مطرح

تأمین کارشناس را در هنگامی که سیستمها در داخل شرکت یا سازمان و توسط شرکتهای کامپیوتری ایجاد می شود بیشتر مورد بحث قرار می دهیم. وقتی که سازمانی تصمیم می گیرد که از کارشناسان داخلی خود استفاده کند، در واقع یک واحد خدمات کامپیوتری تشکیل می دهد (روشی که در مورد استفاده از کامپیوترهای بزرگ و قبل از



نمودار شماره (۲)

عوامل مهم در ایجاد و اجرای سیستمهای حسابداری کامپیوتری

۱- مدیریت مدیر واحد - مدیر مالی - سایر مدیران

۲- کارشناسان کارشناسان آموزش مالی
کارشناسان تحلیل و طراحی سیستمهای مالی

کارشناسان کامپیوتر
کارشناسان واحد خدمات کامپیوتری
کارشناسان شرکتهای کامپیوتری

۳- عوامل اجرایی عوامل جمع آوری اطلاعات - متصدیان کار با کامپیوتر

شیوع استفاده از کامپیوترهای کوچکی که استفاده از آنها تقریباً ساده تر هم هست (وجود داشت)، هر شرکت یا سازمانی که کامپیوتر بزرگ دارد تقریباً مجبور است ورق بزنید

معمولاً در این زمینه، اگر هم اشکالی وجود داشته باشد زیاد عمقی نیست. بعداً در این زمینه هم بحث خواهد شد. (نمودار شماره ۲)
در اینجا مطالب راجع به مشکلات

است. عوامل اجرایی است. عوامل اجرایی، افرادی هستند که باید اطلاعات را به سیستم بدهند یا با کامپیوتر کار کنند. (افرادی که اطلاعات را وارد و گزارشهای مورد نیاز را از کامپیوتر می گیرند).



شرکتها و سازمانهای مختلف موجد می شود که نتوانیم به آسانی از بسته های نرم افزاری (Package) استفاده کنیم. اگر بسته نرم افزاری به گونه ای طرح شده باشد که با هر شرایطی بتواند تطبیق کند کار کردن با آن مشکل خواهد بود. اگر بسته نرم افزاری نخریم و بخواهیم برای نرم افزار ویژه ایجاد کنند، این بار، خود این تصمیمگیری و شرح نیازها، مسئول خواهد بود. (نمودار شماره ۳)

مطالبی که تاکنون عرض شد مقدمه بود برای این که به اصل مسئله، یعنی شناخت موانع توسعه حسابداری از دید مدیران و حسابداران و شرکتها کامپیوتری برسیم. هنگامی که ما بررسی را شروع کردیم و تصمیم گرفته شد که این مقاله در این سمینار ارائه شود، با کمک انجمن حسابداران خیره ایران و انجمن انفورماتیک و بسیاری از همکاران در مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری حسابرسی سازمان حسابرسی

اما در موارد ایجاد سیستم توسط شرکت کامپیوتری: شرکتهای کامپیوتری، که دو سال پیش حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ شرکت بودند، الان حدود ۸۰۰ و شاید بالای هزار شرکت باشند. شورای عالی انفورماتیک، ضوابطی برای ارزیابی این شرکتها دارد که مبنای آن تعداد متخصصان کامپیوتر یعنی کارشناس و کارشناس ارشد کامپیوتر در این شرکتهاست. آیا برای ایجاد یک سیستم اطلاعات حسابداری تنها به کارشناس کامپیوتر احتیاج داریم؟ مهندس کامپیوتر هم لازم است، ولی به آنالیست سیستمهای مالی هم نیاز است. هر دو با هم، باید باشند. بعلاوه این که متخصص مالی هم باید وجود داشته باشد (حسابدارها و مدیران مالی شرکت هستند که باید نیازها را مشخص کنند). به فرض، خیلی خوش شانس باشیم و شرکت کامپیوتری ذیصلاحی را هم پیدا کرده باشیم، آیا باید یکی از سیستمهای آماده ای را که دارند بخریم و بیاوریم و با آن کار کنیم؟

امروزه تعداد زیادی سیستمهای آماده حسابداری وجود دارد. همه مدیران مالی هم با بروشورهای تبلیغاتی این شرکتها مواجه بوده اند و شاید هم از آنها خریده باشند. اگر پیشبینی هایی که در آن بسته های نرم افزاری شده، با روش حسابداری سازمان تطبیق داشته باشد شاید این راه، موفق باشد. ولی همان گونه که هیکل های ما به هم شبیه نیست، روشهای حسابداری مان هم شبیه نیستند. راجع به عدم هماهنگی روشهای حسابداری در این سمینار صحبت شده و خواهد شد و من تأکیدی دوباره نمی کنم. فقط لازم است یادآوری شود که ناهماهنگی روشهای حسابداری در

که یک واحد خدمات کامپیوتری (Computer Centre) تشکیل دهد زیرا کامپیوتر بزرگ نیاز به اتاق خاص و یک سری کارشناسهای خاص دارد.

کار با کامپیوترهای شخصی کوچکی که امروزه رایج شده است، خیلی ساده تر است و مستلزم آن نیست که حتماً یک مرکز کامپیوتر و یک واحد خدمات کامپیوتر تأسیس شود. مرکزیت کامپیوتر شاید لازم باشد ولی، واحد خدمات کامپیوتری بزرگ و تشکیلات ویژه ای لازم نیست. رؤس مشکلات ایجاد واحد خدمات کامپیوتری در داخل شرکت، به شرح زیر است: مشکل شناسایی کارشناسان، اعم از کارشناسان تجزیه و تحلیل و طراحی سیستمها (که در بعضی موارد اصلاً توجهی به آن نمی شود) و کارشناسان کامپیوتر. چرا که مدیران و مسئولان انتخاب کارشناس شناخت لازم را ندارند. (اگر خودشان متخصص کامپیوتر بودند که لازم نبود فرد دیگری را استخدام کنند). گاهی متخصصانی که مدارک بسیار عالی دارند جذب می شوند، در حالی که اهل عمل نیستند. به نظر من، حسابدارها این نکته را خیلی خوب درک می کنند (مدیران مالی تفاوت بین یک کارشناس حسابداری را با کسی که مدرک کارشناسی حسابداری دارد، دقیقاً می دانند). این تفاوت در مورد کارشناسان کامپیوتر هم صادق است و مشکل انتخاب وجود دارد.

اگر هم فرد مناسبی را پیدا کند مشکل تأمین دستمزد مناسب وجود دارد. کارشناس خوب با دستمزدی که طبق مقررات و ضوابط شرکت یا سازمانهای دولتی و شرکتهای وابسته به دولت به او تعلق می گیرد، حاضر به کار نخواهد بود.

نمودار شماره (۳)

مشکلات تأمین کارشناسان

- | | | |
|--|---|------------------------------------|
| مشکل شناسایی کارشناسان | } | ۱- ایجاد سیستم در داخل شرکت |
| مشکل تأمین دستمزد مناسب برای کارشناسان | | |
| مشکل انتخاب شرکت کامپیوتری ذیصلاح | } | ۲- ایجاد سیستم توسط شرکت کامپیوتری |
| مشکل انتخاب بسته نرم افزاری (Package) | | |

نمودار شماره (۴)

پرسشنامه بررسی موانع توسعه حسابداری کامپیوتری در ایران

- ۱- استاندارد نبودن روشهای حسابداری
- ۲- اقتصادی نبودن استفاده از کامپیوتر در حسابداری
- ۳- دشواری طبقه بندی و کدگذاری صحیح حسابهای مختلف
- ۴- شناخت ناکافی حسابداران و مدیران از امکانات کامپیوتر
- ۵- قوانین و مقررات جاری کشور و آیین نامه ها و ضوابط مربوط
- ۶- کمبود متخصص برای ایجاد سیستمهای حسابداری کامپیوتری
- ۷- کمبود متخصص برای اجرای سیستمهای حسابداری کامپیوتری
- ۸- نارسایی یا نامناسب بودن نرم افزارهای آماده حسابداری
- ۹- نبود تمایل در مدیران به برقراری سیستم کامپیوتری و در نتیجه نبود پشتیبانی کامل از آن
- ۱۰- همکاری ناکافی کارکنان و مدیران واحدهای مالی و اداری
- ۱۱- همکاری ناکافی شرکتهای نرم افزاری و واحدهای خدمات کامپیوتری

ورق بزنید

پرسشنامه‌ای طراحی و در آن موانع قابل پیش‌بینی به اختصار ذکر شد. پرسشنامه مزبور، برای سه گروه از دست‌اندرکاران (حسابداران، مدیران مالی و شرکتهای کامپیوتری) ارسال شد. چون مباحث بعدی کلاً در باره این پرسشنامه خواهد بود، لازم است که در این‌جا در باره عناوین مورد بحث توضیحاتی ارائه شود. (نمودار شماره ۴)

۱- استاندارد نبودن روشهای حسابداری:

این پرسشنامه به ترتیب الفبایی تنظیم شده است و اگر استاندارد نبودن روشهای حسابداری به عنوان مشکل شماره یک آمده است به دلیل این نیست که از نظر ما مشکل درجه یک است. بلکه این پرسش از نظر الفبایی در ابتدا قرار گرفته است. بررسی پاسخهایی که به پرسشنامه داده شده است نشان خواهد داد که این مشکل از لحاظ درجه اهمیت در کجا قرار می‌گیرد.

۲- اقتصادی نبودن استفاده از کامپیوتر در حسابداری:

البته این مشکل امروزه تقریباً مطرح نیست و تقریباً هیچ شرکتی برای شروع به استفاده از کامپیوتر، بررسی و امکان‌سنجی اقتصادی نمی‌کند. حدود سی سال پیش که برای اولین بار استفاده از کامپیوتر در ایران مطرح شد، هزینه پردازش اطلاعات توسط کامپیوتر، اگر نه هزاران برابر، حداقل صدها برابر هزینه پردازش اطلاعات در امروز بود. کامپیوتری را که در آن زمان باید با صد هزار دلار کرایه ماهانه از خارج

می‌آوردیم. امروزه با امکانات خیلی بیشتر، با دو یا سه هزار دلار می‌توان خرید. بنابراین دیگر مشکل اقتصادی نبودن مطرح نیست. ولی چون ممکن بود از نظر بعضیها، مسئله‌ای باشد و به این دلیل سیستمهای حسابداری کامپیوتری کنار گذاشته شوند، به‌عنوان یک مشکل قابل پیش‌بینی، مطرح شده بود.

۳- دشواری طبقه‌بندی و کدگذاری صحیح حسابهای مختلف:

چون برای سیستمهای حسابداری، شناخت، طبقه‌بندی و کدگذاری صحیح حسابها یکی از مسائل مهم است، این مسئله هم به‌عنوان یکی از مشکلاتی که ممکن است گریبانگیر باشد، در پرسشنامه مطرح شد.

۴- شناخت ناکافی حسابداران و مدیران از امکانات کامپیوتر:

مقصود این است که همه حسابداران و مدیران به اندازه کافی شناخت ندارند که تصمیمهای لازم را در مورد کامپیوتر بگیرند.

۵- قوانین و مقررات جاری کشور و آیین‌نامه‌ها و ضوابط مربوط:

البته همه آیین‌نامه‌ها و ضوابط، لزوماً به قوانین کشوری نیست و ممکن است درون سازمانی باشند.

۶ و ۷- کمبود متخصص برای ایجاد سیستمهای حسابداری و کمبود متخصص برای اجرا:

این موانع از دو جنبه مختلف بررسی می‌شوند. گاهی ما سیستم مناسبی داریم ولی نمی‌توانیم آنرا اجرا کنیم و گاهی سیستم نداریم و می‌خواهیم آنرا ایجاد کنیم و اگر ایجاد شود می‌توانیم آنرا اجرا کنیم.

۸- نارسایی یا نامناسب بودن نرم‌افزارهای آماده حسابداری:

به‌طور کلی، آنهایی که با بسته‌های نرم‌افزاری حسابداری کار کرده‌اند می‌دانند که این بسته‌ها ممکن است نارساییهایی داشته باشند. از آنهایی که تجربه استفاده از این بسته‌های آماده را دارند خواسته شده بود که مشکلات این کار را ارزیابی کنند.

۹- نبود تمایل در مدیران به برقراری سیستم کامپیوتری و در نتیجه نبود پشتیبانی کامل آن:

اگر مدیران سطح بالای سازمانی مایل نباشند که سیستمی به‌وجود بیاید و یا از آن حمایت نکنند مسلماً سیستمی به‌وجود نخواهد آمد.

۱۰- همکاری ناکافی کارکنان و مدیران واحدهای مالی و اداری:

مدیران واحدهای مالی و اداری ممکن است همکاری لازم را بکنند (یا نکنند). بررسی پاسخهای پرسشنامه، به این مسئله جواب خواهد داد و بعداً به آن می‌رسیم.

۱۱- همکاری ناکافی شرکتهای نرم‌افزاری برای آنهایی که با شرکتهای

نمودار شماره (۵)

جدول پرسشنامه‌های ارسالی و جوابهای دریافتی

شرکتهای کامپیوتری	حسابداران	مدیران مالی	وضعیت پرسشنامه
۱۰۲(+۱۵)	۹۶	۱۰۷	تعداد پرسشنامه‌های ارسالی
۴	-	۳	برگشت از پست
۱۱۳	۹۶	۱۰۴	واصله به دریافت کنندگان
۹(+۴)	۲۵	۲۵	جوابهای واصله به انجمن
۱	۱	-	جوابهای سفید یا غیر قابل استفاده
۱۲	۲۴	۲۵	تعداد جوابهای مورد تحلیل
۱۳	۶	۱۰	جوابهای بانام و نشانی پاسخ دهنده
-	۱۹	۱۵	جوابهای بدون نام و نشانی پاسخ دهنده

هر گروه پاسخ‌دهنده (گروه کامپیوتر، مدیران مالی و حسابداران) برای هر پرسش، چه تعدادی، چه اولییتی داده‌اند. برای مثال، چند پاسخ‌دهنده، سؤال شماره یک را در درجه اول اولویت قرار داده‌اند. سؤال شماره یک، استاندارد نبودن روشهای حسابداری بود. دقت کنید: از ۱۲ جوابی که از گروه کامپیوتر برای ما رسیده، پنج پاسخ‌دهنده (تقریباً در حدود چهار درصد) مشکل درجه یک را استاندارد نبودن روشهای حسابداری ذکر کرده‌اند. تمرکز زیادی هم در سؤال ۴، می‌بینیم. تعداد زیادی از مدیران و حسابداران مانع شماره ۴ (شناخت ناکافی حسابداران و مدیران از امکانات کامپیوتر) را مانع درجه یک، ارزیابی کرده‌اند. این ارزیابی مدیران و حسابداران، نکته خیلی جالبی را نشان می‌دهد. اینجا مدیران مالی و حسابداران ورق بزنید

حدود تیرماه، اجباراً ۱۵ پرسشنامه دیگر ارسال شد که شاید، حداقل معقولی جواب داشته باشیم. از ۱۵ پرسشنامه ارسالی مجدد، فقط ۴ جواب دریافت شد. تعداد اندک جوابهای غیرقابل استفاده که کنار گذاشته شوند، ۲۵ جواب دریافت شده از مدیران مالی، ۲۴ جواب واصل شده از حسابداران مستقل و ۱۲ پاسخ شرکتهای کامپیوتری، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود که به ۱۱ پرسش مذکور در پرسشنامه، اولویت یک تا یازده بدهند و تعیین کنند مانعی که از همه مهمتر است کدام است و مانعی که حداقل مشکل را ایجاد می‌کند کدام است و اگر پرسشی بی‌اثر است ضربه بزنند.

خلاصه آماری جوابهای پرسشنامه (نمودار شماره ۶)، به ما نشان می‌دهد که

کامپیوتری کار می‌کنند، و واحدهای خدمات کامپیوتری برای آنهاست که در داخل شرکت خود سیستم کامپیوتری ایجاد می‌کنند.

این مجموعه سئوالات در پرسشنامه زبور، برای سه گروه مدیران مالی، حسابداران مستقل و شرکتهای کامپیوتری، فرستاده شد. آمار ارسال پرسشنامه‌ها در نمودار شماره (۵) ارائه شده است.

برای مدیران مالی: از لیست اسامی شرکتهایی که در انجمن حسابداران خبره ایران وجود داشت ۱۰۷ شرکت به طریق تصادفی انتخاب شد و ۱۰۷ پرسشنامه برای مدیران مالی آنها فرستاده شد. برای تقریباً تمام حسابداران مستقل عضو انجمن حسابداران خبره ایران، هر کدام یک پرسشنامه ارسال گردید.

بر اساس انتخاب تصادفی، از لیست شرکتهای کامپیوتری موجود در انجمن نفورماتیک ایران برای ۱۰۲ شرکت کامپیوتری، پرسشنامه فرستاده شد.

سه پرسشنامه از ۱۰۷ پرسشنامه مدیران مالی و چهار پرسشنامه مربوط به شرکتهای کامپیوتری توسط پست برگشت داده شد. بنابراین تفاضل این ارقام، تعدادی بود که دریافت‌کنندگان رسیده است.

از هر کدام از گروههای مالی و حسابداران ۲۵ جواب دریافت شد و فقط ۹ جواب از شرکتهای کامپیوتری رسید. شرکتهای کامپیوتری در این بررسی به‌طور مستقیم ذی‌نفع نبودند و به همین دلیل به نسبت کمتری جواب دادند. البته تعداد جوابهایی هم که از دو گروه دیگر دریافت کردیم زیاد نبود. به این دلیل، در

نمودار شماره (۶)

خلاصه آماری جوابهای پرسشنامه (تعداد)

شماره پرسش	گروه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	مجموع
۱	کامپیوتر	۵	۳	۲	۲	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
	مدیر	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
	حسابدار	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
	جمع	۱۳	۷	۲	۵	۵	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۲۰
۲	کامپیوتر	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
	مدیر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۰
	حسابدار	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۶
	جمع	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۵
۳	کامپیوتر	۱	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲
	مدیر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲
	حسابدار	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۸
	جمع	۱	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۷
۴	کامپیوتر	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲۹
	مدیر	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲۹
	حسابدار	۱۵	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۱۵
	جمع	۱۰	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۳۹
۵	کامپیوتر	۱	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲
	مدیر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
	حسابدار	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰
	جمع	۱	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۳
۶	کامپیوتر	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۲۷
	مدیر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲
	حسابدار	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰
	جمع	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۲۷
۷	کامپیوتر	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲۰
	مدیر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰
	حسابدار	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲
	جمع	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲۲
۸	کامپیوتر	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱۷
	مدیر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲
	حسابدار	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰
	جمع	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲۹
۹	کامپیوتر	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۲۷
	مدیر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲
	حسابدار	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۷
	جمع	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳۷
۱۰	کامپیوتر	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲۰
	مدیر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۵
	حسابدار	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۲
	جمع	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲۸
۱۱	کامپیوتر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۶
	مدیر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۸
	حسابدار	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰
	جمع	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳۴

هستند که اعتراف می کنند دانش کافی ندارند. معمولاً هر کسی به این آسانی حاضر نیست نداشتن دانش خودش را ابراز کند، ولی در این پاسخها می بینیم که این اعتراف، شده است

اطلاعات نمودار شماره (۶) در نمودار شماره (۷) به صورت درصد، ارائه شده است. توجه فرمایید که تعداد مدیرانی که اعتراف کرده اند دانش ناکافی دارند ۶۰ درصد است. این جداول زیاد گویا نیست، مگر در مواردی که با ذره بین تیزبینی مورد توجه قرار گیرد.

ما با کمک کارشناسان آمار، اطلاعات رسیده را بررسی و تحلیل و اثبات کردیم که نتایج حاصله، از اعتبار آماری مناسبی برخوردار است*.

خلاصه روش به کار گرفته شده این است که به اولویتی که در پاسخها داده شده بود امتیاز دادیم (Ranking). از حداکثر امتیاز ۱۱ تا ۱ و جمع امتیاز هر یک از پرسشها را حساب کردیم. استاندارد نبودن روشهای حسابداری، در گروه مدیران مالی ۱۶۲ امتیاز آورد. از لحاظ تعریف، مانع درجه پنجم است (یا در ردیف پنجم قرار می گیرد) این مشکل، از دید حسابداران خبره، ۱۳۷ امتیاز آورد و در ردیف هفتم مشکلات قرار گرفته است. تسوجه فرمایید که از دید شرکتیهای کامپیوتری این مانع بالاترین امتیاز را کسب کرده و مشکل درجه یک شده است. توجه دقیق به این پاسخ و اولویت، نکته ظریفی را روشن می کند:

استاندارد نبودن روشهای حسابداری

* در این زمینه آقای دکتر علی مدنی از استادان دانشگاه، بسیار کمک کردند و با استفاده از روش آنالیز واریانس دوطرفه و استفاده از جداول آماری، محاسباتی انجام دادند و اعتبار این درصدها و امتیازهایی را که در جدول خلاصه آمده است اثبات فرمودند. در اینجا لازم است که از ایشان تشکر کنیم.

نمودار شماره (۷)

خلاصه آماری جوابهای پرسشنامه (درصد)

شماره پرسش	گروه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	میانگین
۱	کامپیوتر	۲۲	۲۵	-	۲۵	-	۸	-	-	-	-	-	۲۲
	مدیر	۱۶	۸	۸	۸	۱۷	۲	۲	۲	۲	-	-	۲۲
	حسابدار	۱۷	۸	-	-	-	۲	۲	۲	۲	-	-	۲۲
	جمع	۲۱	۱۱	۳	۸	۸	۵	۳	۵	۲	-	-	۳۳
۲	کامپیوتر	-	۸	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۷۵
	مدیر	-	-	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	۸۰
	حسابدار	-	-	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	۶۷
	جمع	-	۳	۲	۲	۲	-	۲	-	-	-	-	۷۲
۳	کامپیوتر	۸	۲۵	-	-	-	۸	-	-	-	-	-	۲۲
	مدیر	۸	۱۲	-	-	-	۲	-	-	-	-	-	۷۲
	حسابدار	-	-	-	-	-	۸	-	-	-	-	-	۷۱
	جمع	۲	۱۰	۳	۳	۲	۲	۲	۲	۳	۵	-	۶۲
۴	کامپیوتر	۲۲	۳۲	۸	۸	۸	۲	-	-	-	-	-	۸
	مدیر	۲۰	۱۲	۸	۲	۲	-	-	-	-	-	-	۲
	حسابدار	۲۲	۲۱	۱۳	۲	۲	۸	-	-	-	-	-	۲
	جمع	۲۸	۲۰	۱۰	۵	۵	۸	۲	۲	۲	۲	-	۵
۵	کامپیوتر	۸	۲۵	۱۷	۸	۲۵	۲	-	-	-	-	-	۸
	مدیر	-	۱۲	۲	-	-	۲	-	-	-	-	-	۶۲
	حسابدار	۱۳	۲۱	۸	-	-	۲	-	-	-	-	-	۲۲
	جمع	۶	۱۸	۸	۳	۷	۳	۳	۳	۲	-	-	۲۲
۶	کامپیوتر	۲۵	-	۳۲	-	-	۸	-	-	-	-	-	۱۷
	مدیر	۲	۳۶	۸	۱۲	۲	-	-	-	-	-	-	۳۲
	حسابدار	۱۳	۲۵	۲۹	۲	۲	۲۱	-	-	-	-	-	-
	جمع	۱۱	۲۵	۲۱	۱۰	۳	۱۰	۳	۳	۳	-	-	۱۶
۷	کامپیوتر	-	-	-	-	-	۸	۱۷	۳۳	۱۷	-	-	۲۵
	مدیر	۸	۱۶	۱۶	۲	۲	-	۲	۱۲	۱۲	-	-	۲۰
	حسابدار	۱۳	۱۳	۳۳	۱۳	۲	۲	۲	۱۳	۱۳	-	-	۱۷
	جمع	۸	۱۱	۲۶	۱۳	۵	۳	۵	۱۳	۲۲	۱۰	-	۲۸
۸	کامپیوتر	-	۸	-	-	-	۱۷	۱۷	۳۳	-	-	-	۱۷
	مدیر	-	۱۶	-	-	-	-	۱۲	۱۲	۲۰	-	-	۲۰
	حسابدار	۲۱	-	-	-	-	۲	۱۳	۳۳	۲	-	-	۱۳
	جمع	۸	۸	-	-	۵	۱۳	۲۲	۲۲	۱۰	-	-	۲۵
۹	کامپیوتر	۲۵	۱۲	-	-	-	۸	۱۷	۸	۱۷	-	-	۱۷
	مدیر	۱۲	۱۲	-	-	-	۲	۲	۲	-	-	-	۲۲
	حسابدار	-	۸	-	-	-	۲۵	۸	۸	۱۳	-	-	۳۰
	جمع	۱۰	۱۰	-	-	۱۳	۸	۶	۶	۶	-	-	۳۳
۱۰	کامپیوتر	۸	۸	-	-	-	۸	۱۷	۸	۱۷	-	-	۸
	مدیر	-	-	-	-	-	۲	۲	۲	۱۲	-	-	۶۰
	حسابدار	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۳	-	-	۵۰
	جمع	۲	۷	-	-	۳	۱۱	۸	۸	۱۱	-	-	۲۶
۱۱	کامپیوتر	-	-	-	-	-	۲۵	۸	-	-	-	-	۵۰
	مدیر	-	-	-	-	-	-	۸	-	-	-	-	۲۲
	حسابدار	-	-	-	-	-	۱۷	۲	۸	-	-	-	۲۲
	جمع	۲	۲	-	-	۱۱	۷	۳	۵	۲	-	-	۵۵

پرسشی خاص برای شرکتهای کامپیوتری مطرح نکرده بودیم. بنابراین وقتی که شرکتهای کامپیوتری، استاندارد نبودن روشهای حسابداری را به عنوان مشکل شماره یک ذکر می کنند، نشان دهنده این است که در اینجا ضعف دارند. این نکته در هنگام تجزیه و تحلیل مسائل مورد توجه قرار گیرد. نمودار شماره ۸ موانع را برای هر گروه و از لحاظ ردیف کلی نشان می دهد. برای اینکه بررسی آسانتر باشد به نمودار شماره (۹) توجه کنید.

نمودار شماره (۹) به ترتیب اهمیت موانع از دید گروهی که پرسشنامه برای آنها ارسال شده بود (یعنی حسابداران، مدیران مالی و شرکتهای کامپیوتری) رده بندی شده است. اینک به اصل مسئله که رده بندی موانع توسعه حسابداری کامپیوتری در ایران باشد رسیدیم. دقت کنید: شناخت ناکافی امکانات کامپیوتر (البته در این نمودار، پرسشها خلاصه شده است ولی شناخت ناکافی امکانات کامپیوتر توسط مدیران و کارکنان امور مالی مطرح بود) در ردیف کلی، مشکل درجه یک است. این نقص از لحاظ شرکتهای کامپیوتری هم اشکال ایجاد می کند. شرکتهای کامپیوتری با دادن درجه ۲ دادن به این مانع، می گویند که درست است که ما شناخت از کامپیوتر داریم ولی عدم شناخت مدیران و حسابداران، مانع کار ما هم می شود و بدین لحاظ، این مانع از نظر ما، مانع ردیف دوم است.

کمبود متخصص برای ایجاد سیستمها خوب مشخص است. تقریباً هر کسی که به دنبال این کار (حسابداری کامپیوتری) رفته باشد، کمبود متخصص و کارشناس ورق بزنید

حسابداری اعتراف می کنند. ما در باره شناخت حسابداری توسط شرکتهای کامپیوتری سوالی نداشتیم و در این باره

و ناهماهنگی مسئله ساز بوده و مشکل می سازد، ولی در اینجا، شرکتهای کامپیوتری به عدم شناسایی روشهای

نمودار شماره (۸)

خلاصه بررسی موانع توسعه حسابداری کامپیوتری در ایران

شماره پرسش	خلاصه پرسش	مدیران مالی		حسابداران خبره		شرکتهای کامپیوتری		جمع کل امتیاز	ردیف کلی
		امتیاز ردیف	امتیاز	ردیف	امتیاز	ردیف	امتیاز		
۱	استاندارد نبودن روشهای حسابداری	۱۶۲	۵	۱۳۷	۷	۱۰۶	۱	۲۰۵	۴
۲	اقتصادی نبودن استفاده از کامپیوتر	۱۰۱	۱۱	۸۵	۱۰	۳۲/۵	۱۱	۲۱۸/۵	۱۱
۳	دشواری طبقه بندی و کدگذاری حسابها	۱۲۱/۵	۹	۷۴	۱۱	۷۲/۵	۶	۲۶۸	۹
۴	شناخت ناکافی امکانات کامپیوتر	۲۴۰	۱	۲۲۲	۱	۱۰۳	۲	۵۶۵	۱
۵	قوانین، مقررات و آیین نامه های جاری	۱۲۲/۵	۸	۱۴۵	۶	۸۸/۵	۳	۳۵۶	۷
۶	کمبود متخصص برای ایجاد سیستمها	۱۸۲	۲	۲۰۲	۲	۷۵	۵	۴۵۹	۲
۷	کمبود متخصص برای اجرای سیستمها	۱۷۳/۵	۳	۱۷۷	۳	۶۲	۸	۳۱۲/۵	۳
۸	نارسایی نرم افزارهای آماده حسابداری	۱۶۹/۵	۴	۱۷۳	۴	۶۰/۵	۹	۴۰۳	۵
۹	نبود تمایل و پشتیبانی کامل مدیران	۱۴۶	۶	۱۴۸/۵	۵	۸۴	۴	۳۷۸/۵	۶
۱۰	همکاری ناکافی کارکنان و مدیران مالی	۱۲۴	۷	۱۱۱	۸	۶۹/۵	۷	۳۰۴/۵	۸
۱۱	همکاری ناکافی شرکتهای واحدهای کامپیوتری	۱۰۸	۱۰	۱۰۹/۵	۹	۳۸/۵	۱۰	۲۵۶	۱۰
	جمع کل امتیازات	۱۶۵۰	-	۱۵۸۴	-	۷۹۲	-	۴۰۲۶	-
	تعداد پاسخ دهندگان	۲۵	-	۲۴	-	۱۲	-	۶۱	-

نمودار شماره (۹)

خلاصه بررسی موانع توسعه حسابداری کامپیوتری در ایران

شماره پرسش	خلاصه پرسش	مدیران مالی		حسابداران خبره		شرکتهای کامپیوتری		جمع کل امتیاز	ردیف کلی
		امتیاز ردیف	امتیاز	ردیف	امتیاز	ردیف	امتیاز		
۴	شناخت ناکافی امکانات کامپیوتر	۲۴۰	۱	۲۲۲	۱	۱۰۳	۲	۵۶۵	۱
۶	کمبود متخصص برای ایجاد سیستمها	۱۸۲	۲	۲۰۲	۲	۷۵	۵	۴۵۹	۲
۷	کمبود متخصص برای اجرای سیستمها	۱۷۳/۵	۳	۱۷۷	۳	۶۲	۸	۳۱۲/۵	۳
۱	استاندارد نبودن روشهای حسابداری	۱۶۲	۵	۱۳۷	۷	۱۰۶	۱	۲۰۵	۴
۸	نارسایی نرم افزارهای آماده حسابداری	۱۶۹/۵	۴	۱۷۳	۴	۶۰/۵	۹	۴۰۳	۵
۹	نبود تمایل و پشتیبانی کامل مدیران	۱۴۶	۶	۱۴۸/۵	۵	۸۴	۴	۳۷۸/۵	۶
۵	قوانین، مقررات و آیین نامه های جاری	۱۲۲/۵	۸	۱۴۵	۶	۸۸/۵	۳	۳۵۶	۷
۱۰	همکاری ناکافی کارکنان و مدیران مالی	۱۲۴	۷	۱۱۱	۸	۶۹/۵	۷	۳۰۴/۵	۸
۳	دشواری طبقه بندی و کدگذاری حسابها	۱۲۱/۵	۹	۷۴	۱۱	۷۲/۵	۶	۲۶۸	۹
۱۱	همکاری ناکافی شرکتهای واحدهای کامپیوتری	۱۰۸	۱۰	۱۰۹/۵	۹	۳۸/۵	۱۰	۲۵۶	۱۰
۲	اقتصادی نبودن استفاده از کامپیوتر	۱۰۱	۱۱	۸۵	۱۰	۳۲/۵	۱۱	۲۱۸/۵	۱۱
	جمع کل امتیازات	۱۶۵۰	-	۱۵۸۴	-	۷۹۲	-	۴۰۲۶	-
	تعداد پاسخ دهندگان	۲۵	-	۲۴	-	۱۲	-	۶۱	-

واقعی را حس کرده است. بخصوص آن حلقه مفقوده ای که اینجا وجود دارد و آن کمبود کارشناس و آنالیست سیستمها است. در ایران تقریباً رشته تخصصی کارشناسی سیستم مستقل هم نداریم و این مشکل عمده ای را ایجاد کرده است.

کمبود متخصص برای اجرای سیستمها هم نتیجه کمبود آموزش است. کمبود شناخت و کمبود کارشناس موانع اول و دوم و سوم هستند و همگی نشان دهنده کمبود آموزش می باشند.

مانع عمده بعدی، استاندارد نبودن روشهای حسابداری است. البته همه شرکتها نمی توانند یک ضابطه و چهارچوب را کاملاً رعایت کنند ولی گاهی دیده می شود که در شرکتهای مختلفی که از لحاظ ماهیت کار، مشابه اند، روشهای خیلی مختلفی وجود دارد. البته حسابداری فن است و هر کسی هم حق دارد مطابق سلیقه و احتیاجات خود روشی را برگزیند، ولی هماهنگ بودن روشها، مورد نیاز است و امکانش هم باید فراهم شود. باید روشهای حسابداری یکنواختی برای شرکتها پیشنهاد و به مورد اجرا گذاشته شود که بتواند نیازهای شرکتها را تأمین کند.

نارسایی نرم افزارهای آماده حسابداری از طرف مجموعه این سه گروه، مشکل شماره ۵ عنوان شده است. البته اینجا شرکتهای کامپیوتری به نارسایی نرم افزارها اعتقادی ندارند و از لحاظ شرکتهای کامپیوتری، این مانع در درجه ۹ قرار گرفته است ولی در مجموع، در ردیف پنجم قرار دارد.

نبود تمایل و پشتیبانی کامل مدیران از مراحل ایجاد و اجرای سیستمهای کامپیوتری، مشکل کم اهمیت تر بعدی

قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های جاری مشکل‌آفرین نیستند. همه ما می‌دانیم که طبق قوانین موجود، می‌توان خلاصه ماهانه از سیستم اطلاعات کامپیوتری گرفت و در دفاتر قانونی ثبت کرد. اگر سیستم اطلاعات حسابداری کامپیوتری ما کامل باشد و نیازهای ما را برطرف کند، نیازهای قانونی را می‌توان با یک خلاصه ماهانه و ثبت آن در دفاتر روزنامه و کل تأمین کرد. پس قوانین مملکتی مشکل‌زا نیستند مگر در مواردی که مانع، آیین‌نامه‌های درون سازمانی باشد که می‌تواند مشکل‌آفرینی بیشتری داشته باشد.

همکاری ناکافی کارکنان و مدیران مالی در ردیف بعدی موانع قرار می‌گیرد که احتمالاً می‌تواند نتیجه ناآگاهی باشد. مخصوصاً در مورد کارکنانی که ممکن است مسائل مربوط به در خطر افتادن مقام و موقعیت خودشان مطرح باشد و به این دلیل همکاری مناسبی نکنند.

دشواری طبقه‌بندی و کدگذاری حسابها چنانکه در جدول می‌بینیم که این مشکل از نظر مدیران مالی و حسابداران خبره، در درجه آخر اهمیت قرار گرفته است، به این دلیل که آنها در این مورد مسئله‌ای ندارند. یک مدیر مالی یا یک حسابدار خبره اصلاً مسئله‌ای با طبقه‌بندی حسابها ندارد و اگر این مورد، مشکل‌آفرین می‌شود از نظر کارشناسان کامپیوتر است.

همکاری ناکافی شرکت‌های کامپیوتری و واحدهای کامپیوتر داخل سازمانها، خیلی کم‌اهمیت تلقی شده و کم‌اهمیت هم هست. برای اینکه سیستم دادن، حرفه این افراد است و بنابراین هر مقدار بتوانند،

نمودار شماره (۱۰)

راه‌حلهای پیشنهادی برای رفع موانع

۱- آموزش } آموزش کاربردی کامپیوتر برای مدیران
آموزش عالی برای تحلیلگران سیستمهای مالی
آموزش کاربران

۲- استاندارد شدن روشهای حسابداری

۳- ایجاد نرم‌افزار مناسب توسط شرکت‌های کامپیوتری

۴- حمایت مدیران از فرآیند ایجاد سیستمهای کامپیوتری

۵- آمادگی شرکتها برای پذیرش شیوه‌های جدید گردش کار

۶- برنامه‌ریزی و سپس ایجاد و اجرای سیستمهای کامپیوتری

انجام نمی‌گیرد.

مقصود از همه این آنالیزها و تعیین موانع، ارائه راه‌حل است. من نه می‌توانم ادعا کنم و نه چنین ادعایی دارم که راه‌حلهای، مناسب و مطلوب باشد. راه‌حلهای ارائه شده، راه‌حلهایی است که در اثر تجربه گذشته به‌نظم رسیده است و در نمودار شماره (۱۰) نشان داده شده است.

مهمترین مطلبی که مدیران مالی مطرح کرده بودند این بود که ما آموزش کافی ندیده‌ایم. پس آموزش می‌خواهند. دیدیم که کمبود متخصص به‌عنوان مشکل شماره دو مطرح شده بود. دیدیم که در مورد عوامل اجرای سیستم کمبود داریم. جواب همه اینها هم در یک کلمه است: ورق بزنید

همکاری می‌کنند و اگر چنین به‌نظر می‌رسد که همکاری نمی‌کنند، برای این است که نتوانسته‌اند نظرات طرف را تأمین کنند نه اینکه نخواهند همکاری کنند. در مورد مدیران سطح بالا، حتی مدیران مالی، دیدیم که ممکن است منافی داشته باشند و مایل نباشند سیستم و ضوابط برقرار شود. ولی در مورد شرکت‌های کامپیوتری چون منافعشان ایجاب می‌کند (حتی واحدهای خدمات کامپیوتری هم) قاعداً هر قدر بتوانند (یعنی در حدشان باشند) همکاری می‌کنند.

اقتصادی نبودن استفاده از کامپیوتر نیز، همانطور که قبلاً عرض کردم، در درجه آخر قرار گرفته و اصولاً توجه اقتصادی به‌طور معمول لازم نیست و

آموزش. ولی این آموزش خیلی اما و اگر دارد. بسیاری از مدیران مالی که الان در رأس کار هستند، در دوره دانشجویی در دانشگاه، حداقل دو واحد درس اصول کامپیوتر داشته‌اند و در آن دروس، مطالب زیادی راجع به بیت و بایت و دیسک و سکور شنیده‌اند. آیا آنهایی که الان از سیستمهای کامپیوتری استفاده می‌کنند نیازی به مطالب مزبور احساس می‌کنند؟ مدیران و حسابداران، آموزش کامپیوتر لازم دارند ولی جهت آن باید درست باشد. باید کاربرد و استفاده صحیح از کامپیوتر به مدیران، آموزش داده شود. مدیری که می‌خواهد از سیستم اطلاعات کامپیوتری استفاده کند لزومی ندارد که راجع به سکور و بیت مطالب زیادی بداند. راننده اتومبیلی که مکانیک هم باشد بسیار خوبست، ولی یک مدیر مالی مسائل خیلی واجبتری برای یادگیری دارد. پس باید دید مدیر چه معلوماتی دارد، نگاه برنامه درسی مناسب برایش درست کرد. در این رابطه، انجمنهای تخصصی و حرفه‌ای، بخصوص برای بازآموزی و آموزش ضمن کار مدیران، وظایف سنگینی برعهده دارند. در دانشگاهها این مطالب تدریس نشده است. خیلی از ما موقعی که درس می‌خواندیم اصلاً واحد کامپیوتری نداشتیم. سی سال قبل اصلاً رشته کامپیوتر در خارج از کشور ما هم وجود نداشت. ما مجبور بودیم که آموزش ضمن کار داشته باشیم. برای آموزش ضمن کار، انجمنهای حرفه‌ای می‌توانند نقش مهمی داشته باشند و اگر بخواهند این مشکل را رفع کنند باید اقدام کنند. انجمنهای تخصصی، مثل انجمن حسابداران خبره ایران، باید برای مدیران مالی، دوره‌های

آموزشی یا سمینارهای کاربرد کامپیوتر تشکیل دهند.

در باره آموزش عالی برای تحلیلگران سیستمهای مالی، قبلاً صحبت شد. دیدیم که متخصص کامپیوتر هم کم داریم ولی این کمبود متخصص کامپیوتر، چندان حاد نیست. به نظر من، کمبود واسطه ارتباطی یعنی آنالیست، خیلی حاد است. در خارج، رشته‌های تحلیل سیستمها وجود دارد. در ایران تا آنجا که من شنیده‌ام، فقط به عنوان یک گرایش، در رشته مهندسی صنایع است که چهار واحد درسی راجع به تحلیل سیستمها دارند. این کافی نیست و تازه مثل همان حسابداری که از دانشگاه بیرون می‌آید و باید کارآموزی کند، تحلیلگر سیستم هم باید کارآموزی کند. امکانات کارآموزی هم باید در تأمین نیازهای آموزشی جامعه، در نظر گرفته شود.

دیدیم که در مورد آموزش مجریان سیستم هم کمبود وجود دارد. ولی آموزش آنها زیاد مشکل نیست. آنهایی که با کامپیوتر آشنا هستند می‌دانند که براحتی در یک هفته، می‌توان یک ماشین‌نویس فارسی-لاتین را به یک اپراتور کامپیوتر تبدیل کرد. به یک اپراتور کامپیوتر هم می‌توانیم خیلی زود، طرز کار با یک سیستم کامپیوتری را یاد بدهیم. یکی از وظایف طراح (به اصطلاح، ایجادکننده) سیستم، آموزش دادن به اپراتورها برای اجرای سیستم است. واحدهای خدمات کامپیوتری هم آموزشهای لازم برای اپراتورها را تأمین می‌کنند. معمولاً هم از این لحاظ مسئله خاصی وجود دارد و اگر نرم‌افزار، مناسب باشد آموزش متصدیان، مسئله حادی نیست، و همراه با ایجاد سیستم انجام می‌گیرد.

استاندارد کردن روشهای حسابداری را به متخصصان وامی‌گذاریم. تا آنجا که من آگاهی دارم، تاکنون اقداماتی هم توسط کمیته تدوین استانداردهای سازمان حسابرسی شده است. یکنواخت بودن کارها همیشه به استفاده بهتر از اطلاعات و روشها کمک می‌کند. اگر امکان داشته باشیم که روشهای یکنواختی را برای حسابداری در سازمانها، مؤسسات و شرکتهای مشابه، پیاده کنیم، یک سیستم حسابداری مشترک می‌تواند برای تمام شرکتهای مورد استفاده قرار گیرد.

نرم‌افزار مناسب توسط شرکتهای کامپیوتری می‌تواند بسیار دقیق و با کنترلهای داخلی مناسب ایجاد شود و هزینه چنین سیستمی خیلی کم خواهد بود. نکته بعدی، حمایت مدیران از فرایند ایجاد سیستمهای کامپیوتری خوب، بخصوص یک سیستم جامع اطلاعات حسابداری به زمان احتیاج دارد. اگر امروز در هیئت مدیره تصویب کنند که برای چند هفته بعد، یک سیستم اطلاعات حسابداری داشته باشند، مسلماً اجرایش نیست. بعد از اینکه شش‌ماه گذشت و سیستم ایجاد نشد، حوصله مدیران سر می‌رود. گفته می‌شود که واحدی را درست کردیم یا شرکتی را آوردیم، دارد وقت تلف می‌کند و اطلاعاتی هم به دست ما نمی‌دهد. در نتیجه، دو حالت ممکن است واقع شود، یا آن که متخصصان کامپیوتری، بسرعت سیستمی درست می‌کنند و تحویل می‌دهند که هر روز یک اشکال در آن بروز می‌کند. یا اینکه اصلاً به‌طور کلی کار ایجاد سیستم را تعطیل یا قرارداد را فسخ می‌کنند. البته این در مواردی است که مدیران واقعاً تمایل به ایجاد سیستم داشته ورق بزنید

سمینار:

مفهوم،

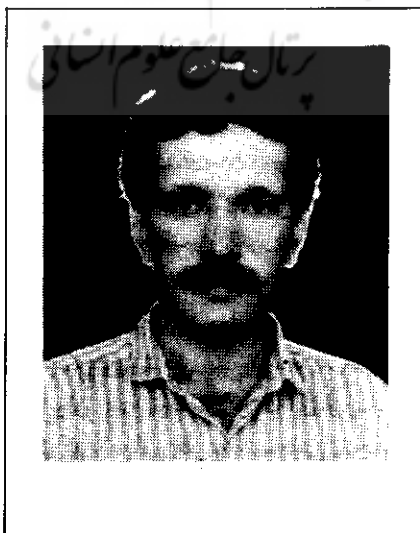
نقش و کارکرد

راهیابی فوری برای مسائل بنیادی برپا می‌گردد و دارای جنبه‌های کاربردی محض است «سمینار» می‌نامند. به‌طور معمول در پایان سمینارها برای بررسی جدیتر هر مشکل، کمیته یا میزگردی برپا می‌شود که بحث و مذاکره درباره نقطه‌نظرهای طرح شده رهنمودهایی به‌دست می‌دهد تا با بررسی آن در نشست عمومی مجدد و پس از بحث و رأی‌گیری نهایی باید به صورت تصویب‌نامه سمینار منتشر و به اجرا گذاشته شود. افزون بر این توصیف از سمینار، آنان برای جلسات تبادل افکار در زمینه‌های علمی محض که شناختن ناشناخته‌ها و کشف قانونمندیها و اصول یا گسترش دانش بشری را دربر می‌گیرد واژه کنفرانس را به کار می‌برند و برای جلسات بررسی موضوعهای محدود علمی از واژه سمپوزیوم استفاده می‌کنند. و هرگاه همایشی به بررسی مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اختصاص داشته باشد نام کنفرانس بر آن می‌نهند. به‌طور معمول در پایان این نشستها قطعنامه‌ای صادر می‌شود که برخلاف تصویب‌نامه سمینارها فاقد ضمانت اجرایی است.

دشواریهای جوامع بشری دارای تنوع و ابعاد گوناگونی است پاره‌ای از آنها با

بقیه در صفحه ۵۳

فراگیر به منظور یافتن راه‌حلهایی که دستیابی به آنها از طریق مراجعه به نظرات کارشناسی به‌طور جداگانه، نه متضمن دقت بررسی است و نه در فرصتهای کوتاه و شتابان امکانپذیر است. به این خاطر با گرد هم آمدن صاحب نظران در یک مکان، امکان بررسی عمیق و همه‌جانبه موضوع در کمترین زمان ممکن فراهم می‌آید و با این فرض می‌توان راهیابی فوری و در عین حال واقعینانه‌تری را نیز انتظار داشت. در واژه‌نامه‌های کشورهای که خاستگاه واژه سمینار بوده‌اند، گردهماییهایی را که به‌منظور بررسی



بیشتر واژه‌نامه‌های پارسی، «سمینار» را جلسه بحث و تحقیق یا جلسه گروهی از دانشجویان که با نظر استادی در رشته‌ای خاص به تحقیق بپردازند، تعریف کرده‌اند. گاه این واژه به معنی محل تشکیل جلسه‌های بحث و تحقیق و جلسه‌های ادواری پژوهشی به کار برده شده است و گاه نیز آن را برابر یا نزدیک به کنفرانس و کنگره دانسته‌اند که با توجه به معانی واژه‌های یاد شده چندان هم دور از واقعیت نیست.

گذشته از مفهوم دقیق و اساسی سمینار، آنچه اهمیت دارد معنی رایج آن است که به‌رغم بیگانگی، در زبان ما اهلیت یافته و مراد از آن بر دانش‌آموختگان پنهان نیست اما در عین حال همه ابعاد و کارکردهای سمینار در جامعه و فرهنگ ما بدرستی شناخته نشده است. مطابق شناخت موجود، سمینار را شاید بتوان گردهمایی صاحب نظران و دست‌اندرکاران یک فن یا رشته علمی برای بررسی مسائل و راهیابی تلقی کرد؛ اما سمینار در اصل پویشی است هدفمند و برنامه‌ریزی شده برای بررسی فوری مشکلات بنیادی

دنباله مراسم افتتاح سمینار

نیازمندیهای سمینار که دستیابی به آنها جز با همت و یاری ایشان به آسانی یا شاید اصلاً امکانپذیر نبود. و تشکر فراوان از آقای پرویز صادقی مدیر محترم امور مالی گروه صنایع ساختمانی سازمان صنایع ملی ایران و عضو انجمن حسابداران خبره ایران که در حدود امکاناتشان سمینار را یاری دادند و سرانجام تشکر بی‌پایان از نویسنده برجسته آقای جمشید ارجمند به‌خاطر تنظیم و ویرایش متون فراخوانها، دعوتنامه‌ها و مکاتبات سمینار، از هنرمند چیره‌دست آقای پرویز خوانساری که طراحی پوسترها، پلاکارد و تابلویی را که روبه‌روی شما قرار دارد عهده‌دار شدند و از هنرمند گرامی سرکار خانم کیانوش امیری که طراحی صحنه سمینار را برعهده داشتند. از هنرورزی این یاریگران به هزاران بار و بیش سپاسگزاریم. ●

فراوان از آقای مسعود یارندی که نزدیک به ۱۸ ماه تلاش صمیمانه، پیگیرانه و موثر را در راه برگزاری سمینار به انجام رسانیدند. اما آقای مسعود یارندی افزون بر زحمات فراوانی که در چارچوب تقسیم کار پیشینی شده در سازمان اجرایی سمینار عهده‌دار بودند مرا نیز در انجام وظایفم چندان یاری دادند و دستگیرم شدند که توصیف آن را از عهده بر نمی‌آیم. همچنین از آقای مجید میراسکنندری دبیر محترم انجمن حسابداران خبره ایران به‌خاطر دراختیار نهادن مقدمات و امکانات انجمن حسابداران و تنظیم امور مالی سمینار، از آقای احمد کمالی مقدم مدیرکل محترم روابط عمومی بانک صادرات ایران به‌خاطر تسهیل امور سمینار در چارچوب پشتیبانیهای بانک صادرات ایران و گسترش روابط عمومی و تأمین بسیاری از

دنباله بررسی موانع توسعه حسابداری کامپیوتری در ایران

باشند. در برخی موارد هم مدیران واقعاً تمایلی ندارند. گاهی اوقات این مسئله ناشی از تمایل به زیر بار نظم ترفتن است که در اغلب افراد وجود دارد: مدیرعامل که باشیم مایلیم که اگر چیزی از انبار خواستیم بدون رسید و قبض و اقباض تحویل شود. در نتیجه، در یک سیستم انباری که قرار باشد آقای مدیرعامل جنس را بدون قبض و اقباض بگیرد کلیه گزارشها غیرقابل اتکا خواهد بود ولو اینکه بهترین سیستم کامپیوتری هم باشد. گاهی اوقات هم ممکن است منافع شخصی برای مدیران وجود داشته باشد که به دلیل آن منافع، اصلاً مایل نباشند که ضابطه یا سیستمی در سازمان ایجاد شود. بند پنجم راه‌حلهای پیشنهادی هم پیرو و دنباله همین مطالب است.

آمادگی شرکتها برای پذیرش شیوه‌های جدید گردش کار: وقتی یک سیستم اطلاعات یا یک سیستم حسابداری کامپیوتری، تقریباً جامع پیاده کنیم، گردش کار مقداری تغییر می‌کند و ضوابط عوض می‌شود. این آمادگی باید در سازمان وجود داشته باشد که این نحوه جدید گردش کار را بپذیرد.

تأکید بر برنامه‌ریزی: اگر می‌خواهیم ساختمانی بسازیم حتماً باید طرح آن را قبلاً به‌وجود بیاوریم، بعد شروع کنیم آجرها را روی همدیگر بگذاریم. نباید آجرها را روی هم بگذاریم بعد ببینیم چی ساخته شده است. پس تأکید بر این است که همیشه، اول برنامه‌ریزی و طراحی و بعد سیستمهای مناسب و بسیار قابل قبول حسابداری کامپیوتری و تأمین‌کننده کلیه نیازهای همه مدیران، حسابداران و افراد ذیصلاح درون سازمانی و برون سازمانی. به امید آن روز. ●

دنباله موانع توسعه حسابداری در ایران از دیدگاه تئوری

اقتصادی ایران در چنین تحقیقی ضروری است.

تا هنگامی که تفکر ما حسابداران با اوضاع اقتصادی ایران همگام و هماهنگ نباشد و به نظریات کشورهای توسعه یافته متکی باشیم، مشکل عدم توسعه حسابداری همچنان باقی خواهد ماند. با توجه به قاعده و اصل علیت در علوم اجتماعی، هیچ تغییری روی دادنی نیست، مگر آنکه زمینه‌های آن فراهم شود و برنامه‌ای نیز در کار باشد. جهت ورود به فرایند توسعه گام نخست فراهم‌سازی زمینه‌های فکری است. اگرچه حمایت دولت در این راستا ضروری است اما جامعه حسابداران خود باید دست به کار شود و به امید قوانین ننشیند. این کار همت و گذشت می‌خواهد. کاستن از کار عملی روزمره و تخصیص آن به مطالعه و تحقیق: کاری که پول‌ساز نیست. به عشق نیاز دارد. ●

کرد. اما چون تولید این‌گونه کالاهای عمومی همواره زیر تقاضاست پس وجود مقررات ضرورت پیدا می‌کند، صرف نظر از آنکه این مقررات توسط بخش عمومی وضع شود یا بخش خصوصی. چون هدف و نتایج آن به طور واضح مشخص نیست توافق در مبانی نظری بسیار مشکل است. به نظر می‌رسد. براساس آنچه گفته شد، تفاوت بازار سرمایه و محیط گزارشگری مالی بین کشورهای توسعه یافته اقتصادی و کشور در حال توسعه ایران تا حدی روشن شده باشد. این موضوع آشکار است که استفاده مستقیم از تئوریهایی که در آن کشورها مبنای نظریات حسابداری قرار می‌گیرد برای ایران مناسب نیست، از این رو مهمترین مشکل عدم توسعه حسابداری در ایران عدم تحقیق ریشه‌ای و پایه‌ای است که به مبانی نظری منسجمی بینجامد و مورد پذیرش جامعه حسابداران قرار گیرد. بدیهی است آینده‌نگری از اوضاع و احوال